در این شماره
ماشین جهادسازی دولت
نامه قضات
مصاحبه غیر انقلابی دادستان ...
عدم تصفیه عناصر وابسته
شهادت برادر مجاهد ...
شعر

اُمت

وَکَذلِکَ جَعَلناکُم اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیکُم شَهِیداً

در قانون اساسی اسلامی
زمین در اختیار کسی است
که روی آن کار میکند و
محصول از آن اوست.

جهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۵۸ — سال اوّل شماره ۲۰ — بها ۱۵ ریال

وقایع اخیر ریشه در کجا دارد...!؟

● کسانیکه مسایل خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و... را مطالعه کردند، همه ضرورت و فوریت انجام برنامه‌های اصلاحات اجتماعی و کمک به‌محرومان را یادآور می‌شدند.

حوادث هفته گذشته کردستان و انعکاس آن در سایر امور و شئون کشور گرچه برای افراد آشنا با مسایل انقلاب و توطئه‌های امپریالیسم، غیر مترقبه نبود امّا مسایل چندی را برای همگان روشن ساخت:

معلوم شد آنهمه سخن که از خطرها و تهدیدهای امپریالیسم گفته یا نوشته می‌شد، حقیقت داشتند و «بیهوده سخن به‌آن درازی نبود» و معلوم شد کسانی که این خطر را نمی‌دیدند یا قائل به‌وجود آن نبودند. تا چه اندازه در اشتباه و خیال‌خام بسر می‌بردند.

معلوم شد مقابله با مسایل دوران انقلاب، بخصوص توطئه‌های پیچیده امپریالیسم، به‌روشهای انقلابی قاطعیت در عمل و پایگاه و حمایت توده‌ای احتیاج داریم.

دیدیم که روش دولتیان در دور کردن مردم از صحنه عمل و مسئولیت و اعلام اینکه هیچ خطری انقلاب را تهدید نمی‌کند و همه چیز روبراه است و اصرار آنها در حفظ چوب‌بستهای پوسیده نظام پیشین و تمایلات شدید محافظه‌کارانه و رفرمیستی و تکیه بر سرمایه‌داران و لیبرالها، بجای توده‌های مستضعف و انقلابی و پرهیز از انجام اقدامات انقلابی و ضربتی و بی‌اعتنائی به‌خواستها و تمایلات محرومان و مردم ایالات چه عواقب شوم و خطرناکی به‌دنبال دارد.

ما همه این حوادث و توطئه‌ها را از قبل پیش‌بینی می‌کردیم، «سرچشمه‌های خطر» را نشان دادیم، بما گفتند منفی‌باف می‌کنید و بیخود نق می‌زنید ــ در حالیکه، عشق و دلبستگی به‌انقلاب آن نیست که ضعف‌ها و نارسائیها را نبینیم و ساده‌لوحانه از کنار خطرها بگذریم، مسئولین امور، خطر را بسیار دست‌کم گرفتند، مسایل انقلاب را ساده پنداشتند و بر همان تمایلات و بینش غیر انقلابی خود ایستاده‌اند ــ محاکمه و مجازات انقلابی، خائنان را محکوم ساختند، تعقیب و سرکوبی ضد انقلاب را بطور قاطع ــ لازم ندانستند، رئیس دولت بنا به‌توصیه و دلسوزی ناظران خارجی که انقلاب شما اسلامی است و نباید خشونت بکار برد، از امام می‌خواست تا جلوی محاکمات را بگیرند و دشمنان مردم را مجازات نکنند و دیدیم که آزاد کردن خائنان و ساواکیها در تقویت روحیه دشمن و امیدوار کردن آنها تا چه حد تأثیر داشت.

سخن گفتن از گذشته بشرطی مفید است که چراغ

بقیه در صفحه ۲

مجلس خبرگان ...

هنوز یک هفته از تشکیل مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نمیگذرد. در این مدت مجلس به‌تصویب رساندن آئین‌نامه داخلی و مقداری بحث‌های پراکنده و کلی در رابطه با اهمیت ولایت فقیه، ترکیب، کیفیت و نقش شورای نگهبان و اهمیت ایندو در رابطه با استقلال کشور و حفظ احکام و قوانینی و جلوگیری از انحراف دولت و حاکمیت ملی و چند مسئله دیگر پرداخته است. طبق آئین‌نامه داخلی نمایندگان قرار است در گروههای ده‌نفری به‌بحث و تبادل‌نظر در رابطه با اصول و مواد پیش‌نویس قانون اساسی، همینطور نظرات و پیشنهادات عناصر گروهها و سازمانهای سیاسی‌بپردازند برحال مجلس می‌رود تا با همیاری و تبادل افکار خبرگان که اکثریت آنرا روحانیون تشکیل میدهند، اصول و موادی را به‌تصویب رساند که بقول بعضی از نمایندگان، نه‌تنها میلیونها انسان ایرانی، بلکه مسلمانان جهان در انتظارش هستند. همزمان با این مسئله حتی از مدتها قبل در اذهان بسیاری از مردم و قشر روشنفکر و گروههای انقلابی این مسئله شکل گرفته بود که تصویب قانون اساسی تا چه حدّ ضرورت دارد؟ آیا در این

بقیه در صفحه ۳

اقتصاد ایران در مدار بستهٔ امپریالیسم

دکتر حسن توانایان‌فرد ۲

هنوز آمریکا از طریق کارخانجات مونتاژ کارگران ما را میدوشد

در عساری اگر صاحب عساری اراده کند که اسبها را نگهدارد و کار را تعطیل کند میل مسیل اوست. در عساری امپریالیسم در ایران نیز تعطیل تولید، کاهش تولید به‌اداره و اختیار امپریالیسم بستگی دارد. در سالهای ۱۳۵۰ به‌بعد که رکود در کشورهای امپریالیستی آغاز شده بود یعنی مشتری در بازارهای غرب کم بود، کارخانه‌ها یکی بعد از دیگری تعطیل می‌شد و اولین صنعتی که به‌رکورد مبتلاً گشت صنعت اتومبیل بود در ایران ایادی امپریالیسم مرزها را باز کردند تا به‌نجات غرب بشتابند. در آن سالها بود که ورود اتومبیل خارجی تشویق میشد و حتی برای خرید به کارمندان وام میدادند. بسیاری از مردم شغل خود را رها کردند و به کار وارد کردن اتومبیل پرداختند. بخشودگی مالیاتی سبب میگردید که بسیاری از مردم در وارد کردن اتومبیل خارجی هجوم آورند.

امپریالیسم حتی در مقدار عوارض اتومبیل نظر داشت. برای مثال اگر (پی‌ام‌و) فلان مدل در بازارهای غرب کمتر مشتری داشت در ایران عوارض ورود این مدل (پی‌ام‌و) کاهش بیشتری پیدا میکرد تا مردم بیشتر بخرید آنان تشویق شوند. پیکان را گران میکردند تا در مقایسه با اتومبیل خارجی مردم بیشتر از اتومبیل خارجی استقبال کنند. نه تنها قیمت پیکان را افزایش دادند بلکه تولید آنرا نیز کاهش دادند تا هر چه بیشتر ایرانی به‌اتومبیل خارجی روی آورد. در مورد کلیه کالاها مردم مشاغل خود را رها کردند و به‌کار واردات کالاهای خارجی پرداختند.

امپریالیسم از اینطریق و بقیمت پول و سرمایه ایرانی از مرگ بازار اتومبیل و سایر بازارهای خود جلوگیری کرد. ولی چون از سال ۱۳۵۷ بعد دوره رونق در بازارهای اروپا و آمریکا شروع شد و تقاضا برای کالاهای صنعتی در غرب وجود داشت دیگر میبایست مرزهای ایران به‌روی کالاهای خارجی کم‌کم بسته شود تا تقاضای ایرانی سبب افزایش قیمت کالا در غرب نگردد.لذا سیاستهای بازرگانی در ایران عوارض گمرکی را بر اتومبیل و سایر کالاها افزایش داد و حتی اخیراً نیز دولت اسلامی ایران ورود اتومبیل خارجی را به‌بهانه حمایت از صنایع داخلی ممنوع اعلام کرد.

آمریکا و بطور کلی امپریالیسم شرق و غرب از طریق تولید کارخانجات مونتاژ و از طریق کم‌وزیاد کردن تولید کارخانجات مونتاژ در ایران منافع و سودهای کلان خود را دنبال میکند اینست که میگوئیم [illegible] عامل کثیف امریکا از ایران بیرون رانده شده و عنقریب است که بدرک واصل شود ولی هنوز ریشه‌ها و پایه‌های استثمار و دوشیدن ملت ایران توسط امپریالیسم در ایران وجود دارد. هنوز آمریکا از طریق کارخانجات مونتاژ کارگران ما را میدوشد، مصرف‌کنندگان ما را میدوشد و در این کارخانجات همه اقشار ملت را جمع کرده تا بدوند و بدوند، بکوشند و

بقیه در صفحه ۳

مصاحبه با سندیکای

پالایشگاه نفت تهران

ــ تصفیه‌ای در شرکت نفت صورت نپذیرفته است.

مصاحبه زیر را توانستیم پس از تماس با سندیکای «شرکت نفت پالایشگاه تهران» تهیه کنیم امّا متاسفانه بعلت حساس بودن شرایط پالاینگاه دوستان سندیکائی از ما خواستند که وارد محوطه پالایشگاه نشویم در نتیجه ما نتوانستیم با برادران و خواهران کارگر از نزدیک تماس برقرار کنیم بنابراین گزارش زیر صرفاً نقطه نظرات اعضاء سندیکا و نوراهائی می‌باشد که عضو آنها می‌باشند.

همچنین هفته‌نامه امت الزاماً با تمام نقطه‌نظرات این مصاحبه توافقی ندارد بلکه بعلت مثبت تشخیص دادن این گزارش اقدام بدرج آن می‌نماید امید است که برادران و خواهران با ارسال گزارشات دقیق و صادقانه کارگری، مارا در این امر مهم یاری دهند.

سئوال: اصولاً پالایشگاه از چه سالی تأسیس شد و تاریخچه مختصری از مبارزات کارگران این پالایشگاه را توضیح بفرمائید.

این پالایشگاه در سال ۴۶ تاسیس شده و با ورود ۳۰۰ کارگر پالایشگاه آبادان در همان سال شروع بکار کرد. از آنجائیکه این کارگران با زور و فشار ساواک آمده بودند. این مسئله از طرفی، دوری از خانواده، نبودن مسکن و خوابگاه، فقدان غذاخوری، عادت نداشتن به‌آب و هوای گرم اینجا از جمله مشکلاتی بود که کارگران با آن دست بگریبان بودند. بچه‌ها مدتی ساندویچ می‌خوردند ولی بالاخره در اثر فشار زیاد ابتدا یکی از انبارها را بصورت غذاخوری درآوردند و بالاخره توانستند یک رستوران ایجاد نمایند. ولی مسئله مسکن باقی بود تا اینکه آن نیز بتدریج حل شد و مشکلات دیگر نیز یواش یواش حل گردید، وقتی مسئله نمایندگی پیش آمد آقائی به‌اسم «لم یزرع» انتخاب شد. این فرد بعد از مدتی ماهیتش روشن شد. او همیشه به‌نفع کارفرما یعنی دولت کار می‌کرد. با نامه‌پراکنی‌ها و دوندگی‌های زیاد او را برداشتند و کسان دیگری آمدند روی کار و بالاخره من انتخاب شدم. کارفرما برای کارشکنی سعی میکرد، با ایجاد تفرقه و نفاق بین کارگران (استفاده از تهرانی بودن و آبادانی بودن کارگران) جلوی فعالیت‌های ما را بگیرد ولی بالاخره

بقیه درصفحه ۵

رنج مردم کردستان

از مدتها قبل شنیده بودیم که برادران و خواهران کُرد همانند دیگر هموطنان در شرایط بدی از لحاظ اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و.. زندگی می‌کنند از این رو تصمیم گرفتیم تا آنجائی که از ما ساخته است به یاری آنها بشتابیم. بهرحال پس از بازگشت برای آگاهی بیشتر هموطنان از وضع کردستان گزارش مختصری را، برای هفته‌نامهٔ اُمت ارسال می‌کنیم و در صورت تشخیص مثبت دادن گزارش آنرا درج نمایند.

ما توسط یک مینی‌بوس پس از یک بازدید مختصر از ارومیه وارد یکی از شهرهای کردستان شدیم. بعلت حساسیت خاصی از اهالی کردنشین به ماشین‌های دولتی از جمله کمیته، پاسداران و... داشتند آنان را با دقت بیشتری تفتیش می‌کردند. مسئله مهمی که بیشتر از همه در طول راه جلب‌توجه می‌کرد مسلح بودن اهالی کُرد به سلاحهائی چون «کلاشینکف»، ژ ــ ۳، M_1، برنو، نارنجکهای دستی، کلتهای مختلفی همچون ژاپنی و...، کارد کمری جنگی بود. در خیابان اصلی شهر انواع و اقسام فشنگها خصوصاً کلاشینکف و ژ-۳ بچشم میخورد که هر فشنگ کلاشینکف را به قیمت ۱۰۰ ریال می‌فروختند از یکی از اهالی کردنشین که مسلح به یک کلاشینکف بود پس از کمی برخورد قیمت کلاشینکف که بر دوش داشت پرسیدم که قیمت آنرا ۲۲ هزار تومان ذکر کرد. پس از مشکلات و کارشکنیهای زیاد بعضی از عناصر و گروهها، خود را به شعبهٔ جهاد سازندگی در شهر که فعالیتهای قابل‌تقدیری را بعهده داشت، رساندیم. افراد این شعبه، از تهران و ارومیه و اهالی منطقه تشکیل میشدند که مشغول پل زدن بر روی رودخانه، لوله‌کشی، جاده‌سازی بودند.

تمام شهر در کنترل حزب دمکرات و اکثریت مردم مسلح، مطیع این حزب می‌باشند. فعالیتهای وسیع سیاسی در حیطهٔ حزب دمکرات و چریکهای فدائی خلق و چپ‌نماها می‌باشد. و از فعالیت سایر نیروهای دیگر بخصوص از نیروهای اسلامی چندان خبری نیست. باید گفت که نیروهای اسلامی در جهاد سازندگی مشغول فعالیت اما دست آنها برای فعالیتهای سیاسی و بخش اعلامیه باز نیست. در دهاتهای اطراف مردم همانند شهر مسلح می‌باشند. پس از ورود به دهات شهر سراغ مسجد را گرفتیم تا برای رسیدگی به امور بهداشتی مردم توسط ملای ده مردم را بسیج کنیم. پس از ورود به چهاردیواری بنام «مسجد» که آب و برق و حتی زیلو هم در کف مسجد نداشت، ملا با بلندگو بزبان کردی از مردم خواست هر که بامراض مختلفی دچار است به مسجد ده مراجعه کند. پس از اعلام، مسجد مملو از بیماران کوچک و بزرگ شد، مردم میخواستند که امراض سالیان دراز خود را که هرگز دکتر را بچشم ندیده بودند، بهبود بخشند.

پس از بررسی مشخص شد که ⅔ اهالی ده مریض و اکثراً مبتلا به ورم معده، کرم معده دچار می‌باشند که علت اصلی، آلوده بودن آب آشامیدنی ده به انگلهای مختلف هست. کودکان آنها بدون بر تن داشتن لباس و بدون هیچگونه رعایت مسائل بهداشتی بر روی «طاباله» بازی می‌کردند. آب آشامیدنی آنها از طریق چشمه‌ها

بقیه در صفحه ۷

اشغال ستاد جنبش ملی مجاهدین

روز چهارشنبه ۳۱ر۵ر۵۸ بدعوت جنبش ملی مجاهدین در مصاحبه مطبوعاتی برادران مجاهد شرکت کردیم، که مختصری از آن را در رابطه با جریانات اخیر درج کرده‌ایم. ساعتی از مصاحبه مطبوعاتی نگذشته بود که ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین بوسیله پاسداران و نماینده دادستان انقلاب تهران محاصره و حکم دادستان برای اشغال ساختمان را بعمل درآوردند، و برادران مجاهد در اوج احساس پاک هوا: ران، آنان را به‌آرامش دعوت کردند و با برخوردی انقلابی، با اینکه دستور رهبر انقلاب در پاسخ به سئوال مجاهدین این بود که مجاهدین در ستاد خویش باقی بمانند، از هرگونه برخورد غیراصولی جلوگیری نمودند و با آرامش و صبری انقلابی، به حکم دادستان و برادران پاسدار پاسخ گفتند.

شورای نویسندگان امت، با اندوه شنیدن خبر، اینگونه اعمال را که از آن جز دشمنان انقلاب طرفه نمی‌بندند. شدیداً محکوم می‌نماید.

مصاحبه مطبوعاتی امت

این روزها بدلیل تمام مسائلی که در حول‌وحوش ما میگذرد. سؤالات زیادی از جانب حامیان و طرفداران و علاقه‌مندان مطرح میشود و برای اینکه به‌این سئوالات بطور مشخص و ستیماتیک پاسخ داده شود لازم است در تمام مسائلی که در اطراف ساختمان جنبش میگذرد و فشارهای وارده، موضع‌گیری خودمان را در برابر این محدودیتها در جریان یک گفتگوی رودررو با نمایندگان جراید اعلام نمائیم.

بقیه در صفحه ۷

حق هرکس محدود به محصول کارخویش است

مباحث ایدئولوژیک

دکتر پیمان ۸

اشتراک در نیازمندیهای اساسی و حوائج عامه

پیامبر اسلام در سومین گام بلند و انقلابی به‌فرمان خدا تملکْ اختصاصی چیزهایی که موردنیاز اساسی همگان است، منع فرمود ــ مالکیّت خصوصی بر این چیزها بدون تردید سبب محرومیّت بسیاری دیگر از مردم می‌گردد فرمان خدا دراین‌باره در سورهٔ ماعون آمده است و سوره خود نام از آن گرفته است ماعون را همهٔ مفسّران حوائج عمومی معنا کرده‌اند، چیزهایی که مردم را در رفع نیازمندیها و انجام کارهایشان یاری می‌رساند بعضی مال و ثروت را هم جزء ماعون آورده‌اند[۲۹] و بعضی سرچشمه‌های زندگی حوائج عمومی و ثروت‌های طبیعی را[۳۰]. در این سوره با قاطعیّت کسانی که بنحوی از انحاء مردم را از استفاده و بهره‌مندی از چیزهائی مانع می‌شوند که در رفع احتیاجات و پیشبرد کارهایشان ضروری هستند، جزء منکران دین و دشمنان حق شمرده است ــ نمی‌گوید کسی منکر دین است که به‌خدا اعتقاد ندارد یا رسالت و پیغمبر حضرت محمّد را منکر است بلکه می‌گوید «أرأیتَ الّذی یُکَذِّبُ بالدّین ــ فَذٰلِکَ الّذی یدُعّ الیتیم ولا یحضّ علیٰ طعام المسکین فویلٌ للمصلّین الّذین هم عن صلاتم ساهون الّذین هم یُراؤن ویمنعون الماعونَ» آیا انکار کنندهٔ دین را ندیدی (کیست) آن کس که در اندیشهٔ یتیم نیست و مردم را در تأمین معاش بینوا ترغیب نمی‌کند، بدانحال نمازگزاران، آنعده که نماز را سطحی و بی‌اهمیّت گرفتند، ریاکار و متظاهرانند و ماعون (حوائج عامه) را از دیگران منع می‌کنند.

پیامبر بر طبق این فرمان الهی، مهمترین احتیاجات مردم در عصر خویش یعنی آب، سوخت، مرتع، را در

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه

ادامه بحث آزاد...

جلسات بحث آزاد از جانب جنبش مسلمانان مبارز در روزهای پنجشنبه ساعت ½۵ بعد از ظهر همچنان ادامه خواهد داشت و در این هفته عنوان بحث «بررسی شرایط انقلاب و خطراتی که تهدیدش می‌کند» می‌باشد، از برادران و خواهران و همه نیروهای متعهد برای شرکت در بحث آزاد دعوت می‌شود.

جنبش مسلمانان مبارز

اطلاعیه

تنها منبع مالی نشریه امت، شما برادران و خواهران هوادار و خوانندگان محترم امت می‌باشند، با گرانی کاغذ، چاپ و دیگر وسائلی که باید تهیه شود، انتشار امت آسان نیست و مدتی است که ما در مضیقه مالی هستیم. در این شرایط خاص که تنها کمک شما یارای پیشبرد کار ما و تداوم انتشار نشریه است، از این شماره، بهاء هر شماره را ۱۵ ریال اختیار کرده‌ایم. بار دیگر تذکر میدهیم که پرداخت‌های مالی خود را هر چه زودتر ارسال دارید.

شورای نویسندگان
امت

پیش بسوی تشکیل جبهه واحد اسلامی ضداستبدادی، استعماری و استثماری به‌رهبری امام خمینی

بقیه از صفحه اول

وقایع اخیر...

راه آینده شود آنچه قابل پیش‌گیری بود ــ بهر حال اتفاق افتاد، باید علل را شناخت و ریشه‌ها را شکافت و از تکرار آن در آینده و در نقاط دیگر جلوگیری کرد.

مسئله فقط محدود به‌کردستان نیست هر جای کشور می‌تواند «مسئله شود»، هر جا ممکن است فاجعه رخ دهد، توقع اینکه دشمن بیکار بماند و دست از توطئه باز دارد بیهوده است ــ ضد انقلاب و امپریالیسم در هر حال از هر فرصت و موقعیتی برای ضربه زدن استفاده می‌کند ــ آنها را نمی‌توان سرزنش کرد ــ ما خود باید مسئولیتهای خویش را با شهامت و آگاهی بر عهده گیریم ما باید ضعفهای خود را با شهامت تمام اعتراف و جبران کنیم.

اشکال کار را در دو جریان اساسی باید جستجو کنیم.

اول ــ چنانکه گذشت اولین نقطه‌ضعف در روش و تمایل سیاسی و فکری دولت موقّت است ــ و نحوه برخورد آن با مسایل کشور و انقلاب است.

دولت با تمایلات لیبرالی و ما اعتقاد به‌نوعی دموکراسی غربی و با گرایش به‌حفظ نظام سرمایه‌داری پیشین با اصلاحاتی در روبناها به‌حفظ نظام اداری و سیاسی گذشته با اصلاحاتی در روبناها، به‌حفظ مناسبات پیشین با تغییراتی در روبناها با گرایش به‌حفظ همکاری و بستگی نزدیک با قدرتهای سرمایه‌داری غربی در عین حفظ استقلال و پیروی از سیاست کاملاً محتاطانه و محافظه‌کارانه ــ زمینه را برای رشد مجدّد عوامل ضد انقلاب آماده ساخت از فرصت موجود برای سرکوبی سریع دشمن و قطع ریشه‌های نفوذ آنان در اقتصاد و سازمانهای اداری و نظامی، استفاده نکرد و توصیه‌های مکّرر امام دائر به‌پیش گرفتن روشهای انقلابی و قاطعیّت در عمل را نادیده گرفت.

علائم خطر و بروز فاجعه در کردستان مشهود بود و از جانب همه افراد و گروههای علاقمند، گوشزد می‌شد. اما گوش دولت بدهکار نبود، حوادثی که در نقده، مریوان، گنبد و خرمشهر رخ داد اهمیت مسئله را بیشتر آشکار ساخت و ضرورت انجام برنامه‌های سریع اصلاحی و رفاهی به‌نفع محرومان و دهقانان و ضرورت قطع سریع و فوری دست مالکان و فئودالها و عناصر وابسته به‌رژیم پهلوی و استعمار و هم‌چنین ضرورت مشارکت دادن فوری مردم در حل مسایل و در مقابله با توطئه‌ها مشهود بود و گوشزد می‌شد ــ بارها امام از دولت خواستند که با قاطعیت توطئه‌ها را سرکوب و انقلابی‌تر بنفع مستضعفان اقدام کند. امام و آیت‌الله طالقانی و دیگران ضرورت تشکیل شوراها را بارها تاکید کردند ــ کسانی که مسایل خوزستان، بلوچستان، ترکمن صحرا و..... را مطالعه کردند همه ضرورت و فوریت انجام برنامه‌های اصلاحات اجتماعی و کمک به‌محرومان را یادآور می‌شدند ــ همه متّفق‌القول بودند که وضعیت کنونی میدان را برای خائنان به‌ملت و فرصت‌طلبان باز گذاشته است. اما دولت بر همان پایه محافظه‌کاری، لنگ‌لنگان دور خود می‌چرخید و اصرار داشت که فقط در چارچوب قوانین و نظام اداری پوسیده پیشین عمل کند نتیجه این سیاست آن بود که هیچ اقدام جدّی بعمل نیامد.

● بجای دور کردن و طرد عناصر انقلابی مسلمان، در راه همکاری و اتحاد با آنان گام بردارید. تحت فشار گذاشتن مسلمانان انقلابی. مستقیماً بسود امپریالیسم و ارتجاع است.

عوامل دشمن از این فرصت در تبلیغ مردم علیه دولت و انقلاب بخوبی استفاده کردند و فاجعه دهان باز کرد.

دوم ــ در مقابل دولت ــ شورای انقلاب و محافل وابسته بدان ــ کمیته‌ها، سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب ــ تمایل بیشتری به‌اقدامات قاطع نشان می‌دادند و خواستار، اجرای برنامه‌های انقلابی‌تر بودند ــ طرحهای ملی کردن بانک و بیمه و صنایع را بیشتر استقبال می‌کردند و ظاهراً بر دولت که از اجرای آنها تعلل می‌ورزد ــ خرده می‌گیرند اما ضعف این جریان در این تمایل ذاتی است که از همکاری با نیروهای انقلابی ابا دارد. پایگاه توده‌ای این جریان یک عامل مثبت بحساب می‌آید ــ کمیته‌ها و پاسداران و دادگاهها به‌نیروی مبارزان و محرومان انقلابی بوجود آمدند و حرکت سریع و انقلابی اولین این ارگانها صرفاً متأثر از همین پایگاه و خاستگاه توده‌ای بود اما شورای انقلاب و بخشی از روحانیون که بر این نهادها و ارگانها تکیه داشتند و نماینده و سخنگوی آنها شدند ــ بجای آنکه به‌کمک همین توده‌های محروم و وفادار به‌انقلاب دامن خود را از چنگ عناصر مرتجع و محافظه‌کار و لیبرال رها کرده ــ با گام نهادن در مسیر خدمت به‌توده‌ها و انجام تغییرات انقلابی همه عناصر انقلابی مسلمان را جذب و جبهه‌ای نیرومند و انقلابی و توده‌ای در برابر دشمنان انقلاب و لیبرالها و سرمایه‌داری وابسته بوجود آورند. متأسفانه زیر نفوذ قشرهای ارتجاعی و تمایلات محافظه کارانه لیبرالی و بعضی فرصت طلبی‌ها ــ خصلت‌های مترقی آنها کمرنگ‌تر شد و به‌انتقادهای سطحی و بی‌مایه و نه‌چندان جدّی از دولت اکتفا نمودند و بیشتر درگیر بازیهای کسب قدرت و رقابت شدند تا دنبال کردن خط اصیل انقلاب و حمایت از دستآوردهای آن.

عملکرد نیروهای ارتجاعی

این جریان که می‌توانست با بسیج توده در ارگانهای انقلابی بازوی راستین رهبر انقلاب در مبارزه علیه توطئه‌های ضد انقلاب و امپریالیسم و در خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته و ارتجاع و استبداد از شئون اقتصادی ــ اداری ــ نظامی و فرهنگی کشور باشد و با جلب همکاری روزافزون همه عناصر صادق و انقلابی مسلمان یک نیروی انقلابی و مکتبی جانشین برای اداره کشور و هدایت انقلاب و اجرای برنامه‌های انقلابی ــ مکتبی ــ فراهم کند به‌عکس از این رسالت تاریخی خود، دور شد ــ و پیش از پیش با همان جریان لیبرالی عملاً هم‌آواز و همساز و متّحد گردید و زیر تأثیر بیشتر عوامل ارتجاعی و سرمایه‌داری قرار گرفت ــ علت این گرایش منفی در درجه اول ارتکاب این اشتباه عظیم این بود که بجای اتکاء صرف به‌توده‌های انقلابی مسلمان ــ پایه‌های سازمانی و رهبری خود را عمدتاً بر دوش عناصر کهنه و ارتجاعی که سهمی در بسیج و انقلاب نداشتند و بیشتر یا وابسته یا فرصت‌طلب و یا در اندیشه حفظ منافع اقتصادی و کسب موقعیت بودند ــ گذاشت.

اتفاقاً تحت فشار و تأثیر همین نیروهای ارتجاعی و عوامل فرصت‌طلب و وابسته به‌سرمایه‌داری بود که این جریان از عناصر انقلابی دور گردید و فاصله گرفت و خط حرکت اصیل انقلابی را ترک گفت و تنها شعارهای آنرا حفظ کرد و عقب‌نشینی در برابر فشار لیبرالها و عوامل وابسته در مورد دادگاهها و محاکمات لیبرالی تن دادن به‌حلّ صوری و بی‌محتوای تضاد مردم با لیبرالها و صرفنظر کردن در مواضع انقلابی و مردمی و عدم‌پی‌گیری در اجرای واقعی طرحهای ملی کردن اراضی، بانک‌ها، صنایع، دفع نیروهای انقلابی و دور کردن آنها از صحنه و پیروی از تمایلات انحصار طلبانه قشرهای ارتجاعی ــ همه نشانه‌های آشکاری بر انحراف روحانیون و قشر مبارز و پیشرو مذهبی از مسیر پیشین و رها کردن رسالت تاریخی که در قبال توده و انقلاب داشتند.

وقایع هفته گذشته یکبار دیگر این حقیقت دردناک را نشان داد که هیچ نیروی اجتماعی جانشین اصیل برای رهبری انقلاب بوجود نیامده است از فرصتی که امام برای رشد یک جریان منسجم و انقلابی با پایگاه مردمی بوجود آوردند استفاده نمی‌شود به‌وحدتی که رهبر انقلاب از ابتدا خواستار بودند، وقعی نهاده نمی‌شود ــ تفرقه و جدائی بین عناصر انقلابی مسلمان و جریان پیشرو مذهبی بیشتر می‌شود و جریان اخیر بیش از گذشته در دامن ارتجاع و فرصت‌طلبی و منافشات و رقابتهای کسب قدرت انحصاری فرو می‌غلطد اما هنوز فرصتی باقی است تا با درک عمیق ضرورتها و تحلیل درست شرایط انقلاب ــ خطاها را جبران و به‌راه درست و اصیل بازگشت کنیم.

رهبر انقلاب ایران با موضع‌گیریها علیه امپریالیسم و به‌نفع توده‌های مستضعف و با قاطعیت انقلابی که در هر موقعیت از خود نشان داده و می‌دهند و با اعتمادی که توده مبارز و قهرمان ما به‌ایشان دارند و با نقش منحصری که در وحدت دادن و قدرت بخشیدن به‌جبهه انقلاب در برابر امپریالیسم و نیز جریان ضد انقلابی دارند فرصت بسیار خوبی برای اتحاد نیروهای پیشرو و انقلابی مسلمان در خط حرکت اصیل انقلاب فراهم کرده‌اند.

با توجه به‌تهدیدهایی که هم‌چنان از جانب امپریالیسم مکار وجود دارد ــ با توجه به‌عملکرد دولت و جریان لیبرالی حاکم و نشانه‌هایی که از باز گرداندن سرمایه‌داران و حمایت از آنها بچشم می‌خورد و خطر تحکیم مجدد وابستگی، ابتدا اقتصادی سپس سیاسی به‌امپریالیسم خود با توجه به‌ضرورت بسیج دائمی، توده‌های مبارز و انقلابی برای مقابله با دشمن و بازسازی اقتصادی ــ اجتماعی کشور ــ معتقدیم که تا فرصت باقی است باید یک جریان پیشبرد انقلابی از اتحاد نیروهای اصیل بوجود آید.

اتحاد نیروهای مسلمان انقلابی

جریان پیشرو مذهبی مسئولیت سنگین در این میان بر دوش دارد زیرا از یکطرف توده را در کنار دارند و از طرف دیگر به‌عنوان یک بازوی رهبری انقلاب عمل می‌کنند. وظیفه آنهاست که اولاً خود را از زیر تأثیر نیروهای ارتجاعی و انحصارطلب آزاد کنند ــ ثانیاً بجای دور کردن و طرد عناصر انقلابی مسلمان، در راه همکاری و اتحاد با آنان گام بردارند. تحت فشار گذاشتن مسلمانان انقلابی مستقیماً بسود امپریالیسم و ارتجاع است ثالثاً ــ موضع قاطع‌تری در برابر جریان لیبرالی حاکم پیش گیرند ــ و با تسلطی که بر ارگانهای تصمیم‌گیری دولت را برای تصفیه و انقلابی کردن ادارات ــ ارتش و اجرای کامل طرحهای انقلابی را زیر فشار بگذارند ــ جلوی رشد مجدد سرمایه‌داری وابسته را بگیرند.

در این شرایط حساس ــ هر گونه فشار و محدود کردن عمل نیروها و عناصر انقلابی مسلمان محکوم و خطرناک است ما به‌وحدت انقلابی همه نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان برای مبارزه با توطئه‌های استعمار و برای تصفیه کشور از مناسبات استبدادی و برای قطع نفوذ سرمایه‌داری وابسته و تامین استقلال کامل کشور و بازسازی اقتصاد اصیل جامعه احتیاج داریم. در شرایط حساس فعلی هوشیاری و اتحاد بیشتری از جانب همه نیروهای صمیمی و صادق انقلاب لازم است. در شرایط فعلی خط رشد ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته به‌بهانه‌های ظاهرالصلاح (پاسداری از انقلاب و رفع بحران اقتصادی) و تثبیت موقعیّت عناصر مطلوب و بازمانده از دوران استبداد (به‌بهانه ضرورت مقابله با ضد انقلاب) زیادتر است.

در موقعیت حساس کنونی و با توجه به‌هشیاری انقلابی که توده دارند با پا گذاشتن روی مسایل و انگیزه‌های شخصی و پیروی از اصول تقرا و بریدن از عوامل ارتجاعی و لیبرالی ــ گام مثبتی برای اتحاد نیروهای پیشرو و مترقی مسلمان بردارید و بوظیفه تاریخی خود در تداوم انقلاب و خدمت به‌توده‌های مستضعف و حمایت رهبری انقلاب جامه عمل بپوشانید والسلام

بقیه از صفحه ۱

مباحث ایدئولوژیک دکتر پیمان

حق هر کس محدود به...

درجهٔ اول عمومی اعلام و حکم فرمود که: «مردم در بهره‌برداری و استفاده از آب، روئیدنی‌ها (مراتع) و منابع سوخت شریکند ــ الناس شرکاء فی الثلاث، الماء والکلاء والنّار و یک روایت دیگر نقل است که بعدها چهار ۵ چیز را مشمول ماعون قرار داد و فرمود پنج چیز است که نباید آنها را از دیگران منع کرد: آب، نمک، روئیدنی، سوخت، و علم[۳۱]

و از آنجا که حکم در قرآن کلّیّت دارد و مطلق حوائج و نیازمندیهای عمومی را در نظر دارد، لذا مصداق آن در هر زمان توسط امام و فقیه تعیین می‌گردد.

خلاصه هر چیز که زندگی و معیشت افراد بداشتن آنها وابسته است مشمول ماعون میگردد و حومه خود ــ ابزار کار را هم شامل می‌شود.

برهمین اساس پیامبر در مدینه پس از انجام تقسیم اراضی بین مؤمنان اعلام فرمود هرکس از مایحتاج عمومی هر مقدار اضافی دارد نباید بفروش رساند یا نگاهداری و احتکار کند، بلکه لازم است رایگان در اختیار برادر خود که بدان نیازمند است بگذارد.

قبل از هر چیز خرید و فروش آب و مراتع فرمود ــ مازاد آب ــ چه آشامیدنی (نطاف) و چه زراعی (اربعاء) باید مجّاناً بدیگران داده شود و گفتند «نمی‌شود جلوی نفع چیزی (بدیگران) را گرفت»[۳۲].

اهمیت آب در مناطق و سرزمینهای کم‌آبی نظیر عربستان بخوبی روشن است ــ در جاهائی که آب فراوان است احتیاجی به تملکّ اختصاصی آن نیست زیرا آب رودخانه و باران بقدر کافی در اختیار همهٔ افراد قرار دارد و لذا فاقد ارزش معامله و مبادله است امّا در نقاط کم‌آب که تهیهٔ آن مستلزم صرف کار و نیرو و سرمایه است و بقدر کفاف در دسترس نیست ــ معمولاً بملکیّت اختصاصی درمی‌آمد کسی که چاهی حفر می‌کند یا قناتی احداث می‌نماید و یا با کندن نهری آب از رودخانه می‌گیرد ــ بخود حق می‌دهد که آنرا ملک خویش دانسته مازاد بر احتیاج را بفروش رساند ــ چنانکه در ایران هم که کشور کم‌آبی است. این روش از گذشته تاکنون رواج دارد ــ حتّی عده‌ای به‌این هم اکتفا نکرده‌اند و بسیاری از چشمه‌سارها و رودخانه‌ها را که بطور طبیعی وجود داشته و دارند و برای احداث آنها کاری صورت نگرفته و پولی صرف نشده است در ملکیّت خصوصی وارد کرده و دیگران جز در افرادی پرداخت پول و تحت شرایط خاصی از آنها محروم و ممنوع کرده‌اند ــ در چنین شرایطی پیامبر بفرمان خدا چنان فرمان انقلابی صادر می‌کند و همه را عمومی اعلام می‌نماید کسی که شخصاً قناتی حفر کرده است تنها مزیّتی که بر دیگران دارد حقّ تقدّم در استفاده از آن و رفع نیازمندیش می‌باشد.

از این‌رو می‌بینیم علی‌بن ابیطالب نمونهٔ عالی مکتب، هر قناتی را که شخصاً با زحمت فراوان حفر و احداث می‌کند، بلافاصله وقف عموم می‌گرداند.

پیامبر فرمان مشابهی دربارهٔ مواتع صادر می‌کند «همانطور که نمی‌توان از آب زیادی جلوگیری کرد، نمی‌توان از زیادی علوفه هم جلوگیری کرد» تملّک خصوصی مراتع و چمن‌زار، همانقدر آب در نقاطیکه علف و سبزه و مرتع اندک است ضرورت پیدا کرده و رواج می‌یابد والاّ در آنجا که مرتع و علف فراوان است کسی در اندیشهٔ تملّک خصوصی آن نیست ــ و می‌بینیم پیامبر در جائی مالکیّت خصوصی بر مرتع را منع می‌کند که حالت اول را دارد و شدّت مطرح و موردعلاقه است.

در گام بعد پیامبر از مؤمنان خواست تا مرکب و وسیلهٔ سواری و حمل بار هر مقدار که اضافه دارند به‌برادران مؤمن خود ببخشند ــ نقش حیوانات بارکش و سواری در سرزمینی نظیر جزیرة‌العرب بر کسی پوشیده نیست اسب و شتر ارزش بسیار دارند و از چیزهائی هستند که در معاملات سود فراوان نصیب دارندگان می‌کنند.

رسول خدا اجازه نگاهداری این مایحتاج ضروری دیگر را هم جز در حد احتیاج نمی‌دهد «هرکس ستور اضافی دارد باید به‌کسی بدهد که ندارد. هرکس توشهٔ اضافی دارد به‌کسی که توشه ندارد بدهد ــ مرکب و ستور ــ در عین حال از وسایل کار و کسب معیشت‌اند.

از این‌رو ماعون بطور قطع وسایل و ابزار کار را هم دربردارد چه چیزی ضروری‌تر از وسیلهٔ کار و تأمین معاش است ــ وقتی بنا به‌تعبیر مجاهد آیت‌اله طالقانی، ماعون را سرچشمه‌های زندگی بگیریم نه تنها آب و مرتع و تملک که وسایل معاش و ادامهٔ حیات و هر چیز دیگر که داشتن آن برای حفظ حیات و ادامهٔ زندگی ضرورت دارد، در این ردیف می‌آید. بهمین جهت در توصیه‌های مکرر به رعایت این اصل، حضرت بذکر کلمهٔ ماعون اکتفا می‌کرده‌اند تا عمومیّت خود را از دست ندهد و بچند چیز خاص منحصرش نگردانند، نقل است که می‌فرمود «هرکس ماعون را از همسایه‌اش هنگامی که بدان احتیاج دارد منع و بازداشت کند، خداوند در روز قیامت او را از فضل خود محروم می‌کند و او را به‌خودش وامی‌گذارد و هرکس را خدا چنین کند نابود می‌شود و عذری از او پذیرفته نیست»[۳۳]

اخذ مازاد بر احتیاج ــ زمینه‌های عینی اجرای این اصل

پیامبر سرانجام قاعده کلی و اصلی که باید مبنای تعیین حدود بهره‌برداری و حقوق افراد نسبت به‌اموال و دارائیها و نعمت‌ها و مواد موردنیاز قرار گیرد اعلام می‌کند.

پیوند اخوت و روح ایمان و آگاهی نسبت به‌مکتب آنقدر قوی و بالاست که مؤمنان نه تنها آمادهٔ قبول و رعایت این قاعده هستند بلکه می‌توانند حتی از حق و سهم خویش به‌نفع برادر نیازمند خود بگذرند و چنانکه دیدیم بمرحلهٔ ایثار گام نهند.

تا این مرحله پیغمبر به‌فرمان خدا، حق هر کس را محدود به‌محصول کار خویش ساخته است افراد را از رباخواری، استثمار و کسب مال از راه تجاوز و زورگوئی و سلطهٔ و برتری‌جوئی یا اجاره و کرایه خانه و زمین و گرفتن سهم از محصول و اقداماتی از این قبیل بشدّت منع فرموده است. هم‌چنین پیامبر به‌فرمان خدا مؤمنان را در حوائج اساسی نظیر آب، سوخت، مرتع، نمک و... شریک قرار داده و آنان را از تملک اختصاصی این مواد یا منابع آنها، بازداشته است.

اکنون شرایط عینی برای اعلام یکی دیگر از اصول پایه‌ای مناسبات اجتماعی در نظام توحیدی مناسب است. در یثرب و در بقیهٔ نقاط شبه جزیره عربی وضع طبیعی و جغرافیائی و شرایط تولید دارای چنان محدودیتهائی است که عملاً امکان ندارد افراد از طبیعت و از تولید اجتماعی بیش از نیازمندی بردارند و جمع‌آوری کنند ــ بی‌آنکه موجب محرومیت بخشی دیگر از افراد جامعه شوند ــ این واقعیت به‌آسانی مورد توجه قرار می‌گیرد و مردم می‌توانند آنرا در تجربه روزمره خود دریابند.

آنان با محدودیت وسایل و حوائج زندگی و کار آشنا هستند.

می‌بینید که خانه، مسکن، اسب و مرکب، لباس و پوشاک آب و مرتع، زمین و سوخت، وسایل کار و معیشت، و حتی خوراک. آنقدر نیست که علاوه بر تأمین نیازمندی‌های همه مردم در مدینه بعضی بتوانند بیشتر از احتیاج شخصی از این مواد و ابزار و کالا در اختیار گیرند ــ این امر یک واقعیت عینی ملموس و قابل درک برای همگان است فقر و محرومیت و محدودیّت وسایل و مواد بخوبی مشاهده و احساس می‌شود ــ بهمین جهت وقتی خداوند اصل انقلابی و بی‌سابقه جدید را دائر به‌اخذ مازاد بر احتیاج دستور و توصیه می‌نماید ــ در جامعه و در میان مردم زمینه کافی برای قبول آن وجود دارد.

زمینه ذهنی پذیرش یک چنین تغییر انقلابی را ایمان و آگاهی مؤمنان از مهاجر و انصار، فراهم می‌سازد که با روح برادری و برابری کامل آماده هر گونه فداکاری و ایثار در راه «هدفهای عالی انسانی و اجرای فرمانهای خدا هستند این آمادگی نتیجه خودسازی و تکامل شخصیّت انسانی مؤمنان طی سالها مبارزه و جهاد و همراهی و هم‌سنگری بود و به‌آسانی و ارزانی حاصل نگردید.

عقد پیمان برادری بین تک‌تک مؤمنان از مهاجر و انصار توسط پیامبر در روزهای نخست ورود به‌مدینه نشانه قطع پیوندهای نظام قبائلی جاهلی و قبول تساوی و برادری کامل بین مؤمنان است.

افراد قبائل مختلف را با هم برادر ساخت تا رابطه افراد را که پیش از این پیوندی خونی، نژادی و قبائلی بود به‌پیوند برادری انسانی مبدّل گردد. در این مرحله مؤمنان با شناخت عمیقی که در جریان عمل و تلاش و مجاهده با اصول مکتب بدست آورده بودند و با رشد روح همدردی و اشتراک در بین آنها حاضر بودند یکدیگر را در زندگی خود شریک قرار دهند و حتی چنانکه دیدیم در مواردی برادر را بر خود ترجیح داده تأمین نیازمندیهای او را مقدّم بر خود بشمارند و منطق مکتب ــ انسانهایی آگاه، مؤمن، فداکار از طراز نوین می‌توانند اعضای جامعه‌ای باشند که قرار است مناسبات توحیدی در ان پیاده شود. جز شخصیتهایی در این سطح عالی از رشد و تکامل خصلت‌های انسانی، توانائی تحمل و قبول مناسبات برادرانه توحیدی را ندارند. از این جهت اصول مناسبات اجتماعی ــ اقتصادی نظام توحیدی را خداوند مختص مردمی از این نوع می‌داند و مطمئن است وقتی نعمت و اموال و ثروت و غنائم را متعلّق به‌عموم دانسته ــ از مردم می‌خواهد که مازاد بر احتیاج را به‌برادران خود بدهند، همه با جان و دل پذیرای آن هستند. «ما افاء اللهُ علی رسولِهِ من اهل القریٰ فلِلّه و للرسولِ و لذی القربیٰ و الیتامی و المساکینَ و ابن السبیل کی لایکون دولةً بین الاغنیاء منم ــ و ما اتیکم الرسولُ فخذوه و ما نهیٰکم عند فانتهوا و اتقوااللهَ اِنّ‌الله شدید العقاب ــ للفقراء المهاجرینَ الذین اُخرجوا من دیارهم و اموالهم یبتغونَ فضلاً مِنَ‌اللهِ رضواناً و ینصرونَ اللهَ و رسولَهُ اولئک هم الصادقون ــ و الذّینَ تبوّ الدّار و الایمانَ مِن قبلهم یحّبون من هاجرا الیهم و «یجدونَ فی صدورهم حاجةً قما اوتو و یوثرونَ علی انفسهم و لوکان بهم خصاصةٌ و من یوقَ شُحَّ نفسِه فاولئک هم المفلحون ــ حشر ۹-۷ آنچه خدا از اهل شهر ما بر پیامبرش ارزانی داشت، پس از آن خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان از راه است تا بین توانگران شما دست بدست نگردد. و آنچه پیغمبر بر شما داد بگیرید و از آنچه نهی کرد، باز ایستید و از خدا بپرهزید که خدا سخت عقوبت است، برای بینوایان از مهاجرین دست، کسانی که از خانه و خواسته‌های خود در جستجوی فضل از جانب خدا و خوشنودی از خانه و خواسته‌های خود خارج شدند، خدا و رسولش را یاری می‌کنند. آنان صادق‌اند و آنانکه قبل از ایشان در خانه و ایمان جایگزین شدند هر کس را

ادامه دارد

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

اقتصاد ایران درمدار بستهٔ

بکوشند و رونق اقتصاد غرب را تضمین نمایند. اگر امروز کارخانجات مونتاژ ایران که برای مثال در شیراز تلفن و در تهران تلویزیون میسازد تعطیل گردد و کارگران آن بکمک دولت بهروستاهای خود باز گردند تا روستاها را بهشهرکهای کشاورزی تبدیل کنند و کشاورزی مرده ایران را زنده نمایند امپریالیسم زیان خواهد دید زیرا تعطیل این کارخانجات یعنی تعطیل بسیاری از کارخانجات انگلیسی و آمریکائی و بیکاری صدها هزار انگلیسی و امریکائی در غرب. چگونه حکومتی میتواند اسلامی باشد و با حفظ صنایع مونتاژ زیان ملت و نفع بیگانه را پاسداری نماید. در عساری نه تنها بهاسب نیاز است بلکه بهانسانی هم نیاز است که حرکت اسبها و روغن گیری بموقع را نیز مدیریت نماید.

در عساریهای معمول نیاز بهمدیر و ناظر وجود دارد. این مدیران و ناظران را دانشگاهها و مؤسسات آموزشی تربیت میکنند. دانشگاههای ما حسابدار، برنامهریز، ریز و درشت میسازد تا در خدمت عساریهای آمریکا در ایران درآیند.

لذا مؤسسات آموزشی ما نیز غیر مستقیم در خدمت منافع آمریکا و امپریالیسم است. آیا تا بحال دیده یا شنیدهاید که از این دانشگاههای ما اختراعی جهانی یا اختراعی در خدمت مردم ایران یا کشفی علمی در خدمت مردم جهان بیرون آید. امپریالیسم هر مخترع و مکتشف ایرانی را یا در اختیار خود میگیرد و یا میکشد و نابود میکند. شاه خائن سیستم آموزشی ما را بگونهای ساخت که جوانان ما را بهناچار راهی دیار غرب کند و درد و رنج غربت را تحمل کنند تا بتوانند بهدانشگاه راه یابند. امپریالیسم از اینطریق مغزهای نابغه ایران را که راهی غرب میشدند در آنجا شناسائی میکرد. و بعد از آموزش دادن یعنی وقتی که دکتر یا مهندس میشدند آنان را باستخدام خود درمیآورد. یکی از دوستانم نقل میکرد که یک دانشجوی نابغه ایرانی بعد از اتمام تحصیل در آمریکا قصد داشت که بهایران بازگردد و برای مردم-خودش کار کند. لذا وقتی باو در آمریکا پیشنهاد کار شد بهاین بهانه که زبان نمیداند تا در دانشگاه تدریس کند از کارکردن در آمریکا طفره رفت. مقامات آمریکائی که میخواستند بهر قیمت شده او را باستثمار مغزی خود در آورند باو گفتند که اگر زبان انگلیسی آنقدر نمیدانی که تدریس کنی ما برای تو در سر کلاس مترجم میگذاریم تو بزبان فارسی درس بده و مترجم بهزبان انگلیسی درس تو را برای محصلین ترجمه میکند. در هر حال قرار مغزها، شناسائی مغزها و استثمار مغزها توسط امپریالیسم راه دیگری برای استثمار مردم ایران بوده است. حال چگونه دولتی میتواند اسلامی باشد و باز هم اجازه دهد که امپریالیسم از طریق جلب دانشجویان ایرانی بخارج مغز و استعداد آنها را استثمار کند در حالیکه ایران بوجود آنان نیاز دارد. فرستادن آزاد محصلین ایرانی بخارج بدون کنترل و نظارت مستقیم دولت خواه ناخواه باستثمار آنان ختم خواهد شد.

چگونه حکومتی میتواند اسلامی باشد و با حفظ صنایع مونتاژ زیان ملّت و نفع بیگانه را پاسداری نماید
مؤسسات آموزشی ما نیز غیر مستقیم در خدمت منافع امریکا و امپریالیسم است

در آمریکا و اروپا محصلین ایرانی بگونهای درس میآموزند و درسی را میآموزند که آنان را برای کار و کمک بهگردش کار عساریهای آمریکا در ایران آماده میسازد. و چون عساریهای آمریکا یعنی این سیستم اقتصاد کارخانهای مونتاژ بهزیان مردم است و بنفع غرب اعزام محصل بهخارج خواه ناخواه اگر با نظارت دولت همراه نباشد باستثمار مردم ایران ختم میشود. دولت باید رشتههای کشاورزی و رشتههای تولیدی را که میتواند در آنها مستقل شود معین سازد و سپس محصلین را برای آموزش در آن رشتهها و با نظارت مستقیم خود بهغرب گسیل دارد. امپریالیسم برای اداره کردن عساریهای خود در ایران بهادارات و مؤسسات مختلف نیاز دارد که از جمله آنها بانک مرکزی، سازمان برنامه، وزارت اقتصاد، وزارت بازرگانی و..... میباشد.

امپریالیسم از طریق بانک مرکزی میتواند کشاورزی ما را بکشد، میتواند ایرانی مصرف کننده را بنفع بیگانه بدوشد. میتواند کارگر ایرانی را در هر رشتهای که بخواهد بکار بکشاند. لابد میپرسید چگونه؟ بانک مرکزی بانک بانکهاست بانکهای معمولی با مردم سر و کار دارند و بانک مرکزی با بانکها سر و کار دارد. وقتی که امپریالیسم اراده میکند که ایرانی اتومبیل خارجی خریداری کند یعنی هنگامیکه در غرب رکود در بازار اتومبیل میباشد از طریق بانک مرکزی بهبانکهای معمولی اجاره داده میشود که تنها برای خرید اتومبیل خارجی یا برای وارد کردن اتومبیل بهمردم وام دهند. اگر امپریالیسم تصمیم بگیرد که فعالیتهای ساختمانی در شهرها گسترش یابد تا اختلاف دستمزد کارگر و بنادر شهرها افزایش یابد و مهاجرت روستائیان بهشهرها زیاد بشود و کشاورزی کشنه گردد تا محصولات کشاورزی غرب در ایران بفروش رود بهبانک مرکزی دستور میدهد که بانکهای معمولی را بهدادن وام مسکن بهمردم تشویق نماید[1]. لذا بانکها در روزنامهها باطلاع مردم میرسانند که با بهرهای مناسب وام مسکن میدهند. مردم با گرفتن وام و اقدام بهساختمان نه تنها سبب افزایش قیمتها میشوند بلکه بهتراکم شهرها یعنی بهفروش اتومبیل بیشتر و فروش محصولات کارخانهای بیشتر واردانی کمک میکنند و از طرف دیگر در کشتن کشاورزی از طریق جلب روستائیان بهکارهای ساختمانی نیز مؤثر میفتد نقش سازمان برنامه و وزارت اقتصاد و غیره نیز چنین است که یا اشاره امپریالیسم انتظاری بیجا و بیهوده که علف زیر پای منتظرین سبز خواهد کرد. اگر نتر از سوراخ سوزن رد شد ما نیز تماهد برخوردهای انقلابی و قاطع، چه در رابطه با مسایل و مشکلات داخلی و چه در رابطه با مسائل خارجی و جهانی بخصوص امپریالیسم خواهیم بود. این انتظار، توقع چیزی است که در محتوی و ماهیت دولت ابداً بچشم نمیخورد. مطمئن باشیم که اگر انقلابیترین احکام و قوانین را نیز بهاین دولت بدهیم، هرگز قادر نخواهیم بود قاطع و انقلابی رفتار نماید چرا که از محتوای انقلابی تهی است. این دولت جز یا سیاست گام گام و جانبداری از سرمایهداری وابسته و اتکاء بهامپریالیسم قادر نیست حرکت نماید.

نگاهی بهحرکات اعتراضآمیز آمیخته با یأس و نومیدی آیتاله مجاهد طالقانی در مجلس، بیانگر واقعیتهای تلخی که کمتر چشمی میبیند و کمتر گوشی میشنود. هرچند که عدهای کوتهبین سعی میکنند حرکات و زمینننشستنهای ایشان را بحساب سادگی و بیریا بودن ایشان گذارده و سربوش روی حقایق تلخی که ایشان حس میکنند، میگذارند، مجلسی که بقول خودشان شرکت در آن "نه از روی میل و علاقه، که بر ایشان تحمیل شده است». کسانیکه سعی میکنند، حرکات اعتراضآمیز ایشان بحساب این بگذارند که وی خواهان یک مجلس بیریا و دور از تجملات است یا مسایل را نفهمیدهاند و ایشان را درک نکردهاند و اصولاً با بینش ایشان بیگانهاند یا سعی در مخدوش مسایل و قلب حقایق دارند.

در چند دقیقه از تنفس مجلس ایشان مطالبی را عنوان کردند که بسیار عمیق و گویا بود. «من در حال حاضر لزوم اینکار را نمیبینم. هستند در دنیا کشورهائیکه ۱۵ سال است انقلاب کردهاند ولی هنوز قانون اساسی مدوّنی ندارند. و من اساساً نظری دارم- ممکن است اشتباه بکنم- آن اینکه تبیین قانون برای کشورهائی است که قانون ندارند، یا در کشوریکه انقلابی شده و تمام قوانین قبلی را بکلی نفی کرده است. ما که انقلابمان اسلامی است و اصول اسلام در مسایل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی بطور کلی روشن است هر چند در بعضی جزئیات مشخص نباشد. و این امر بهنظر من تقلیدی است. قانون اساسی اصولش مبین است. قرآن سنت و سیره پیامبر.....

کیست که بتواند ادعا کند قوانین اسلام در رابطه با مسائل اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی روشن نیست. کیست که بتواند ادعا کند احکام اسلامی در رابطه با مالکیتهای صنعتی - کشاورزی روشن نیست. کیست که بتواند ادعا کند اسلام رابطه کارگر و کارفرما، اصل حاکمیت و هزاران مسایل متفاوت دیگر اجتماعی - سیاسی و اقتصادی را بیان نکرده است و بقول ایشان تبیین قانون اساسی، برای کشورهایی است که قانون ندارند. قوانین اسلامی از دوره تشکیل اولین حکومت اسلامی در مدینه و در دوره بعد از آن مشخص و معلوم است اگر اینجا و آنجا مسائل جدیدی مثل بانکها و امثالهم در حیطه اقتصادی ایجاد شدهاند باز جهتگیری کلی اسلام پیشاپیش روشن است. البته بیان این مسایل، احتیاج بهتبیین قانون اساسی را نفی نمیکند. بلکه بحث بر سر تشخیص ضرورتهاست. بلکه بحث برسر ماهیت دولت و نحوه برخورد وی با قوانین و احکام است. جای هیچ شکی نیست که اگر قوانین و احکام مصوبه در تضاد با منافع، چارچوب و بینش حاکم بر دولت باشد بشدت از اجرای آن جلوگیری بعمل خواهد آورد. اگر در حرف، مخالفت خود را بر زبان نیاورد، در عمل جلو اجرای آنرا خواهد گرفت، بخصوص که این دولت هرگز حاضر نشده با رعایت اصل خدشه ناپذیر «و شاورهم فی الامر» مردم را در سرنوشت خود شرکت داده و بگذارد که کارها و امور از مجرای اصولی خود بهپیش رود. کما اینکه دیدیم (و خواهیم دید.) تبلور عینی این مسئله خود را در نقاط حساس با میدان گرفتن ضد انقلاب بیرون زد. هنوز نحوه برخورد دولت با طرح انقلابی شوراهای ایالتی و ولایتی یادمان نرفته است و یادمان نمیرود که چگونه دولت با تمام نیرو از تحقق شوراهای واقعی و اسلامی در کارخانجات و سایر موسسات دولتی جلوگیری میکند.

از مسائلی که در مجلس بحثانگیز بود و خود میتواند معیار دیگری بر بینش انقلابی (!) دولت باشد، تخصیص اعتبار ۱۰ میلیون تومانی برای برنامههای مجلس خبرگان (اعم از هزینه نمایندگان و پاسداران و پول کاغذ و تکثیر.) بود. مسئلهایکه برایتی تعجب و خشم بسیاری از نمایندگان را برانگیخت و مورد محکومیت اکثریت آنان قرار گرفت و آنان با تقبل هزینههای شخصی و مجلس خواهان رد این اعتبار شدند. اختصاص اعتباری چنین سنگین برای مجلس که نمایندگانش اکثراً آدمهای ساده و بیآلایشی هستند واقعاً تعجبآور است و ناامیدکننده از این نظر که، نشان دولت هنوز در جو برنامهریزیهای دوران طاغوت بسر میبرد و تعجب زمانی بهاوج خود میرسد که رئیس مجلس (آقای بهشتی) موافقت خود را از قبول چنین اعتباری اعلام داشته و هرچند که نظرشان این بود که باقیمانده بدولت برخواهد گشت و مطرح میسازد که «اگر قبول نکنید ملت از شما گله خواهد کرد.»، بیچاره ملت!. آقای شبیانی نیز موافقت خود را با ایشان اعلام میدارد. در حالیکه این مسئله این سئوال را پیش پای ما میگذارد که این اعتبار تحت چه ضوابطی تعیین شده است؟ و گرنه خدای نکرده کسی ادعا نمیکند که اینها حیف و میل خواهد شد. حال فکرش را بکنید اگر جوّ آنچنانی بود چه بلائی سر پولهای زبان بسته می‌آمد! انگار دولت قسم خورده تا تبیین قانون اساسی در جو طاغوتی تنفس کند، دست مریزاد!

مطمئن باشیم با تصویب احکام حتی انقلابی، ماهیت انقلابی بدولت غیر انقلابی و لیبرال نخواهیم داد، چرا که در غیر اینصورت این سئوال را بایستی مطرح کرد که، این چه تشکلی است که امروزه با قوانین بهارث رسیده از دورانهای گذشته و طاغوتی عمل میکند و فردا با قوانین و احکام جدید، حتی در ابعادی متضاد با گذشته، رفتار خواهد نمود، دولت این تضاد و دوگونگی در عمل و رفتار و ماهیت را چگونه جواب خواهد داد؟

بخود بیائیم و ضرورتها را تشخیص دهیم و قبول کنیم که «درد، عدم وجود قوانین نیست، که نحوه اجرای آنهاست و مهمتر اینکه چه کسی ضمانت اجرائی آنها را بعهده گرفته است.». اما با تمام این احوال بهانتظار مینشینیم تا دستپخت مجلس خبرگان را ببینیم، هر چند که بقول معروف «سالی که نکوست از بهارش پیداست» هر چند که انتظار تصویب احکام انقلابی اسلامی در قالب مواد قانون اساسی از این مجلس بدور است. امّا صبر میکنیم تا مسئلهای را که شتابزده شروع کردهاند، ببینیم، مسئلهایکه فقدانش هیچ مشکلی را ببار نمیآورد چرا که اساساً برخورد قاطع و انقلابی وجود ندارد. بهتر بگوئیم آنچه فاجعهآمیز است، نبود این احکام نیست، بلکه آنچه فاجعه میآفریند فقدان مرکزیتی قوی و منسجم انقلابی است و تعدّد قدرت و مراکز تصمیمگیری و قبول کنیم که این مائیم که با ماهیتمان، عملکردمان و طرز برخوردمان، اهمیت احکام و قوانین را محک میزنیم.

والسلام

صمد - ج

* * *

بقیه از صفحه ۱

مجلس خبرگان ...

شرایط با بهتصویب رساندن یک سری اصول و مواد میتوان بجنگ مشکلات و نابسامانیها رفت؟ آیا دولت در انتظار نشسته است تا با دستیابی به 'ابزار و وسایل' جدیدی دست بهاقدامات اساسی بزند؟ و دهها سئوال دیگر.

اما واقعیت موجود چیز دیگری را بیان میکند. حقیقت این است که ما هم درد را میدانیم و هم درمانش را میشناسیم اما بیراهه میرویم. بدنبال درمان دیگری هستیم که اگر ضایعات دیگری هم ببار نیاورد قدمی انقلابی و تعیین کننده در جهت رفع اساسی و بنیادی مشکلات برنخواهد داشت.

نابسامانیهای موجود و نوع برخورد دولت یا آنها و یا سایر مسائل بنیادی در طی چند ماهی که از بهروزی انقلاب میگذرد، خود گویای واقعیتهای تلخی است که لمس کردهایم. موضعگیریهای دولت را در قبال مسایل اساسی جامعه مشاهده کردهایم و این جز بر یأس و نومیدی ما نیفزوده است. و یکبار دیگر با تمام وجود این تجربه را لمس کردهایم که آنچه که باعث شده دولت در این مدت با تمام نابسامانیها، انحرافات و هرج و مرجهای موجود برخورد اصولی بکند، نه فقدان یک قانون اساسی مدوّن و انقلابی بوده، بلکه برعکس نبود یک مرکزیت منسجم و انقلابی است. این فاجعه است اگر ما خیال کنیم تمامی مسائل و مشکلات با تصویب قوانین حل خواهد شد؟ آیا این فقدان قوانین و احکام است که بهسرمایهداران و مزدوران سابق میدان داده و آنها را دوباره بهسر کارهای خود برگردانده و دست غارتگران بینالمللی را در غارت هرچه بیشتر از منابع خلق باز گذاشته است؟ آیا این فقدان احکام و قانون است که اجازه ابقای قراردادهای نظامی با آمریکا را صادر کرده است؟ آیا این فقدان اصول و مواد قانونی است که جلو تشکیل و اجرای شوراهای ایالتی و ولایتی را گرفته است؛ این چیست؟ آیا این چیست که فقدانش منجر بهحمایت از سرمایهداران وابسته داخلی شده است؟ فقدان احکام و قانون یا عدم وجود یک دولت و مرکزیت انقلابی؟ چرا علتها را رها کردهایم و بهمعلولها چسبیدهایم؟! چرا میخواهیم سر خودمان کلاه بگذاریم؟ متاسفانه آنچه که این دولت بشدت از آن بری است، ماهیت انقلابی است. گناهی بهترکیب عناصر متشکله دولت، نشان میدهد که انتظار اقدامات انقلابی و بنیادی از آن،

سیاستهای اقتصادی را پیش میگیرند که بهزیان مردم و بهنفع بیگانه باشد. برای مثال اعطای امتیاز کارخانه یا تصویب طرحهای اقتصادی را در راههائی انجام میدهند که منافع بیگانه را تأمین کند.

لذا امپریالیسم برای اداره صحیح عساریخانههای خود ناچار است ادارات مختلف اقتصادی داشته باشد که بناچار در شهرهای بزرگ قرار دارند. زیرا کارخانههای مونتاژ مصرفی باید نزدیک مصرف کننده ایجاد شود تا فروش محصول هزینه حمل و نقل زیاد نداشته باشد وقتی کارخانهها نزدیک شهرها بود اداراتی که مسؤل اداره امور کارخانهها میباشند نیز باید نزدیک کارخانهها یعنی در شهرها باشند. وقتی ادارات در شهرها تأسیس شد بهتراکم و تمرکز امور در شهرها کمک میکند. لذا داشتن کارخانههای مونتاژ سبب میشود که چندین میلیون انسان در تهران جمع شوند. وقتی میلیونها انسان در تهران جمع شدند برای انجام امور اداری آنان در تهران نیاز بهکامپیوتر خواهد بود. زیرا چگونه میتوان تصور کرد که بدون کامپیوتر میتوان حساب چندین میلیون مشترک برق و آب را نگهداشت بهمین جهت است که میگوئیم امپریالیسم از طریق عساریخانهها یعنی کارخانجات مونتاژ مردم ما را مجبور میسازد که از کامپیوتر و خدمات الکترونیکی غرب در انجام امورشان استفاده کنند و از اینطریق نه تنها بازاری برای لوازم الکترونیکی و کامپیوتری غرب در ایران بوجود آید بلکه وابستگی ایران بهغرب افزایش مییابد. اگر آمریکا خدمات کامپیوتری خود را قطع کند تمامی حسابداری کلیه ادارات ما درهم فرو میریزد. اینست که میگوئیم اگرچه شاه خائن یعنی دست سیاسی امپریالیسم از ایران قطع شده است ولی هنوز دستهای اقتصادی امپریالیسم در ایران وجود دارد و هنوز ملت ما را میدوشد و دو دستی و چند دستی ما را محکم بخود وابسته است.

آمریکا از طریق دست سیاسی خود یعنی رژیم شاه خائن دستهای اقتصادی برای خود در ایران بوجود آورد که بوسیله این دستهاست که ملت ما را میدوشد- این دستها عبارتند از کارخانجات مونتاژ مصرفی، مؤسسات آموزشی وابسته، ادارات دولتی متمرکز وابسته و بالاخره تأسیسات کشاورزی مانند بانک کشاورزی شرکتهای تعاونی زراعی و غیره امروزه در حالیکه انقلاب اسلامی ایران دست سیاسی امپریالیسم را قطع کرده است و شاه ملعون را بیرون رانده است ولی هنوز دستهای اقتصادی امپریالیسم در ایران وجود دارد و ترس آن دارم که این دستهای اقتصادی سبب گردد که دوباره امپریالیسم دست سیاسی دیگری برای خود دست و پا کند.

تا هنگامیکه دستهای اقتصادی امپریالیسم یعنی عساریخانههای او در ایران از بین نرود امکان رسیدن بهاستقلال سیاسی و اقتصادی برای ملت مسلمان ایران غیرممکن است.

در عساریخانه فاطرها و اسبها دور خود میچرخند خیال میکنند که بهجلو میروند ولی دهها سال هم راه بروند باز بر سر جای اول خود قرار دارند در عساری ایران نیز وضع همین گونه است مردم ایران هر گونه تلاش و کوشش و جهاد سیاسی و اقتصادی که میکنند باز میبینند که سر جای اول خود قرار دارند از سی سال قبل بهاینطرف که ادعای صنعتی شدن و پیشرفت ایران از طرف عمال امپریالیسم عنوان شد.

تا بامروز هنوز ایران خود نمیتواند مستقلاً کوچکترین کالای صنعتی را بوجود آورد. هنوز ایرانی محتاج صنعت غربی میباشد و بدتر از همه در عساریخانه امپریالیسم در ایران این دربند کشیده شدگان فرهنگ و اقتصاد مونتاژ نه تنها در راه صنعتی شدن هر چه دویدهاند بجلو نرفتهاند بلکه در راه کشاورزی بعقب هم رانده شدهاند. هم اینان که تا دیروز صادر کنندگان محصولات کشاورزی بودند امروز وارد کنندگان محصولات کشاورزی شدهاند.

کدام حکومتی میتواند خود را اسلامی بداند و بهادامه حیات این عساریخانههای امپریالیسم در ایران کمک کند.

زیرنویس

۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه بهکتاب پول یا بانکداری نوشته مراجعه شود.

لطفاً وجوه نشریه امت را بهحساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تختطاووس روزولت واریز نمایید

درود بر آیتاله طالقانی، مجاهد نستوه

ماشین جهادسازی دولت

بنا بر سیاست خاص دولت و علیرغم جهت حفظ دست‌آوردهای انقلاب، دیوان‌سالاری ادارات ایران بحرکت درآمده و با هیبتی خشن‌تر و دست و باگیرتر از سابق سهم مهمی از بودجه مملکتی را می‌بلعد و فعالیت‌های لازم را عقیم می‌سازد. به‌وزارتخانه‌ها و سازمانهای اداری عظیم بسنده نشده بلکه سعی در این است تا برای ارضای نقطه‌نظرهای حزبی و سرپوش گذاشتن بر بی‌اعتمادی حزب دولتی حاکم، نهادهای انقلابی و مردمی را که فارغ از این بوروکراسی در اختیار مردم می‌باشد به‌زیر مهمیز سیستم پیچیده و غامض ادارات خود کشیده و کنترل نماید. شاید برای دولتیان این مهم نباشد که سرنوشت انقلاب چه شود و اینکه اسلامشان چه گردد، و خواست مردمان چه باشد. بلکه بیشتر به‌این اهمیت می‌دهند که پایشان را در پوست گردوی مردمی نگذارند و همواره بر خیابان اسفالت شهرمان حرکت کنند و انقلابی پایان یافته را زیر لب زمزمه نمایند. انصار خویش را ببینند و علیرغم ادعا به‌گروهها و نیروهای مردمی پشت کنند، و یا به آنها بهائی ندهند و ضمن دم‌زدن از مخروط شوراها و نظام شورائی، تنها راه و شیوه حاکمیت حقانی مردم را به‌چشم اجنه نگاه کنند. و تنها افراد و گروههائی را که خصلتا و یا نسبا آبشان توی یک جوی می‌رود می‌بینند و با آنها بازی می‌نشینند. زنهار که در آینده نزدیک بسیاری از مسائل پیچیده و ضعفها و زخم‌هائی که بر پیکر ملت مسلمان و متحد ایران نشسته و می‌نشیند بعدالت از شما مواخذه شود سخن خلاصه کنیم و ببینیم بر سر طرح جهاد سازندگی روستاها چه می‌آید.....

طرح جهاد که به‌ابتکار و پی‌گیری عده‌ای جوان معتقد به‌خط امام و انقلاب شکل گرفت و امام نیز با اعلام جهاد خود در جهت سازندگی روستاها به‌پیکر آن جان و توان بخشید، همواره در نظر بود تا بعنوان نهادی مردمی و نهضتی عظیم و همه‌جانبه مردم و روستاهای ما را فراگیرد، و سعی بر آن شد تا نیروی انسانی و انقلابی مردم و امکانات فراوان و راکد سازمانها ادارات در تشکیلاتی مستحصربفرد بر اساس استقلال اداری، مالی و ماهیت حقوقی و اجتماعی مستقل دست‌بدست هم دهند و زمینه مناسبی برای مبارزه با فقر، ویرانی و جهل در روستاها بیابند و عمل نمایند و انقلاب را با اصالت دادن بحرکت از درون روستاها تداوم و تکامل بخشند. اتخاذ شیوه تصمیم‌گیری در مناطق توسط نیروهای داوطلب و بومی که ذیصلاحترین افراد برای شناخت امور و نیازهای خویشند و بکارگیری مغزهای مستفکر و مبتکر داوطلب برای نوآوری و ایجاد تحرک و شور انقلابی در جهت اهداف جهاد برنامه‌هائی بود تا با ارائه آنها به‌وضع فلاکتبار روستائیان و کشاورزانی که صادقانه در بحرانی‌ترین دوران انقلاب به‌کمک اسلام و انقلاب شتافته بودن، بپردازیم، و وجود ناامنی، خرابی، بیماری و دور بودن از فرهنگی مناسب که روستاهای ما را به‌برزخی تبدیل کرده است، تنها راهش را به‌جهادگونه‌ای این‌چنین حل میدیدیم. با شیوه عملکرد انحصارگرایانه دولت، تارعنکبوتی از نظام بوسیده اداری پیشین بر طرح سایه افکند که درآن بجای شوراهای استان و شهرستان به‌نیروهای دولتی اعم از استاندار و فرمانداران و یا کارمندان بهاء داده می‌شود، و بجای حفظ استقلال اقتصادی و مالی طرح مورد نظر، دولت با شیوه‌ای زیرکانه با بودجه‌ای محدود و کنترل شده که به‌خزانه استانداران ریخته، زمینه را برای اجرای سیاست خاص خود در عمران منطقه و یا ادامه طرحهای باقی‌مانده آماده مینماید و در ضمن طرح جهاد را بزیر سلطه و وابستگی خود میکشاند. شیوه کار دولت در طرح بگونه‌ای میباشد که تکامل یافته‌ترین شکل نهضت جهاد سازندگی را در هیئت اداری لژیون خدمتگزاران بشر سابق میبینید و در این مسیر براحتی بخود حق می‌دهد که دلسوزان و ناقدان طرح را بکناری زند و رفتار سیستماتیک خود را حاکم نماید که نتیجتا در نیروی داوطلب مردم و بخصوص روستائیان نیازمند ما بی‌اعتمادی و سرخوردگی بوجود آورده است. سعی می‌شود که با طرح و گسترش نظام دیوانسالاری، به‌ادارات خود اداره‌ای دگر بیفزاید مستفکرین و متخصصین را کارمندی نماید. و بالاخره طرح و گسترش جهاد سازندگی را که یک نهضت باز عمیق مردمی است به‌یک سازمان اداری بسته غیر مردمی مبدل می‌سازد. شما را بخدا دست از توجیه‌کاری، کوبیدن افکار، نظریات و ادامه انحصارطلبی بردارید و کمی هم بفکر اسلام، انقلاب و مردم باشید. در قبال اسلام و این انقلاب و خون شهیدانمان، مسئولیتی بس سنگین.

شاید هنوز بتوان این نهضت را از چنگال و تار عنکبوت نظام اداری برهانیم و شاید بتوانیم نیروی جوان صادق و مؤمن به‌خط امام را قدرت و نوری بخشیم و این جهش را بعلت شرایط موجود تنها در حرکتی از سوی امام و یا شورای انقلاب می‌بینیم، و برای این منظور پیشنهادات خود را به‌شورای انقلاب نیز داده‌ایم، ترکیب کلی مورد پیشنهاد ما بصورتی است که طرح تحت حاکمیت اجرائی و نظری شورای انقلاب قرار می‌گیرد و از دولت بعنوان مشاور و بخصوص بشتوانه تدارکاتی طرح استفاده می‌گردد. و در صورت عدم تمایل دولت در برداخت بودجه، با ادغام بنیاد مستضعفین و بنیاد مسکن و جهاد سازندگی به‌جهاد ابعاد گسترده‌تری داده می‌شود. اداره کنندگان تشکیلات و امور ارتباطی طرح از نیروهای داوطلب و جوانان پرشور و دانشجویان، روحانیون مبارز و مبارزان و مؤمنین به‌انقلاب تشکیل می‌یابد و در زمینه اجرائی نیز از داوطلبین، مردم، کارگران، و جوانان بیکار، کارمندان استفاده می‌گردد. در زمینهٔ سازماندهی داخلی و برنامه‌ریزی و ایجاد شیوهٔ تشکیلاتی مردمی نیز طرحهائی بصورت نیمه تجربی و نظری در دست می‌باشد که در صورت لزوم ارائه خواهد گردید. همچنین لازم می‌بینیم از مجلس بررسی نهائی قانون اساسی در خواست نمائیم تا ضمن اشاره به‌جهادی بی‌گیر و همه‌جانبه و متداوم جهت انقلاب و سازندگی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی جامعه و کشورمان، در مقدمه قانون اساسی، و با توجه به‌اصل مورد قبول (هم‌اکنون برایمان کاملا مشهود است) که تنها راه نجات و استقلال کشور یعنی اصل تکیه بر نیروهای مردمی بعنوان تنها راه حل برای فائق آمدن بر مشکلات عظیم موجود، از مردم بعنوان پایه اصلی جهاد و زمینه تداوم و رشد انقلاب اسلامی ما نامبرده شود.

محمد ابراهیم اصغرزاده
۵۸/۵/۱۷

نامه قضات

باز جایگاه متهمین جنایتکاران دادگاه انقلاب تریبونی شد برای فریاد عمال امپریالیسم جهانی و اینبار عباس شفاعت قزاق خونخوار ارتش به‌جای تهرانی با سوءاستفاده از جو غیر انقلابی دادسرا و دادگاه انقلاب و برای نجات جان کثیف خود سیل تهمت و فحاشی را به‌جانب عده‌ای دیگر از کسانی که خواهان شدت عمل نسبت به جنایتکاران رژیم سابق بودند سرازیر کرد. چند ماه پیش بود که تهرانی شکنجه‌گر ساواک با تردستی خاص خود چه زیرکانه و ناجوانمردانه به‌بهترین فرزندان خلق مسلمان ایران تهمت زد و حتی کار را به‌جائی رساند که شهدا را نیز از تبرس اتهامات واهی خود بی‌نصیب نساخت. مگر این همان تهرانی نبود که یک ماه قبل از محاکمه و در شرایطی که دادسرا و دادگاه انقلاب قاطعانه به‌اجرای حدود خدا مشغول بود و بی‌طرفی نسبت به‌گروههای مبارز کاملا رعایت می‌شد (قبل از تصفیه) از کلیه مبارزان با احترام یاد میکرد؟ چه شد که پس از تصفیه دادسرا یکمرتبه همان مبارزان خائن، جاسوس و سازشکار خواند. مگر سر تیپ عباس شفاعت فرمانده جنایتکارترین واحد ارتش و قصاب ۱۷ شهریور، بازار تهران، قم و شیراز و غیره همان نبود که در اسفند ماه با نهایت شرمساری از جنایات خود نزدیکی از برادران بازپرس یاد میکرد و اظهار ندامت می‌نمود؟ چه شد که اکنون خود را بی‌گناه میداند و جو اطراف خود را آنچنان سست می‌بیند که بخود جرأت داده و اقاریر صریح خود را که در شرایط کاملا انسانی، اما قاطع و با برخوردی مسئولانه از وی اخذ شده انکار می‌کند و باز پا را از این فراتر نهاده و بازپرسان سابق دادسرای انقلاب را افرادی نابار و منحرف خطاب می‌کند.

ما از اینکه از جانب عمال رژیم شاه مورد اتهام و هدف دشنامها قرار می‌گیریم افتخار می‌کنیم همچنانکه بعد از اعدام انقلابی القانیان با خوشروئی تمام با کلیه اتهامات و دشنامهای صهیونیستها و امپریالیستها روبرو شدیم. برای ما تنها خدا مطرح است و خلق خدا که با تظاهرات میلیونی خود بر اعمال قاطع و انقلابی ما صحه گذاردند.

جو انقلابی حاکم بر دادسرای انقلاب پس از اخراج ما چنان می‌شود که این نوکران هزار چهره استبداد مخلوع اینچنین تغییر چهره می‌دهند و حتی جشن بپا می‌کنند.

عباس شفاعت کیست و تیپ نوهد کدامست؟

تیپ نیروهای ویژه هوابرد (نوهد) از ورزیده‌ترین افراد چتر باز ارتش تشکیل شده اغلب مأموریتهای خاص از جمله مأموریتهای ظفار بوسیله این تیپ انجام گرفته در شستشوی مغزی افراد آن آن تا آنجا پیشرفت شده که منبع تغذیه کمیته مشترک ضد خرابکاری بوده و هر چند ماه یکبار مقامات امنیتی با مراجعه به این تیپ از بین افراد داوطلب عده‌ای را انتخاب و از تیپ به‌کمیته منتقل می‌نمودند. بهترین نمونه افراد تربیت شده این تیپ که به‌خدمت ساواک در آمد و نهایت خوش خدمتی را انجام داد، سروان سعدی جلیل اصفهانی است که تهرانی کثیف معدوم از جنایات وی پرده برداشت. اکثر اعضاء تیم‌های گشتی و ضربتی کمیته مشترک از افراد منتقله از تیپ نوهد بودند. بر اساس مدارک موجود در پرونده و اقاریر صریح عباس شفاعت فرمانده این تیپ، افراد تیپ در حوادث ۱۷ شهریور حضور داشته و به‌کشتار مردم پرداخته، حسب اقاریر شفاعت در تمام تظاهرات با لباس شخصی شرکت می‌کرده‌اند و شعارهائی خلاف شعار مردم میدادند تا تظاهرات را بر هم زنند. همچنین بموجب اظهارات شفاعت در بعضی از تظاهرات مسلحانه شرکت کرده که بعضا منجر به‌کشتار نیز شده از جمله حادثه بازار تهران عده‌ای از افراد این تیپ بفرماندهی سر تیپ شفاعت بمنظور ایجاد وحشت در مردم قم پس از تظاهرات عظیم چهلم یزد بمأموریت ویژه اعزام که با ورود این جنایتکاران حادثه منزل آیت‌الله شریعتمداری رخ میدهد لازم به‌توضیح است که در آن تاریخ عده زیادی نظامی بدون درگیری حاد در قم حضور داشتند ولی این مأموریت ویژه تنها از عهده سر تیپ شفاعت و افرادش بر می‌آمد بدین لحاظ با یک مینیبوس پرسنل به قم رفته و مرتکب آن جنایات می‌شود عباس شفاعت پس از این جنایات به فرماندهی تیپ هوابرد شیراز منصوب و سرلشگر یزد جردی معدوم از فرماندهی هوابرد به فرمانداری نظامی مشهد منصوب می‌گردد. شفاعت بمحض ورود به‌شیراز به‌سمت ریاست تأمین شهر منصوب و با همکاری فرمانداری نظامی به قلع و قمع ملت مبارز شیراز می‌پردازد.

بهترین دلیل و مدرک که حاکی از سفاکی این عضو پلید می‌باشد نامه‌ای است که جوان معدوم رئیس ساواک فارس به‌ساواک مرکز نوشته ضمن گزارش اعلام داشته که بین شفاعت رئیس تأمین شهر و اسفندیاری فرماندار نظامی اختلاف است. اولی معتقد به‌شدت عمل و سرکوبی است و دومی معتقد به نرمش و مماشات است و ضمن آن از ساواک مرکز خواسته است اختلافات این دو را از طریق مافوق حل کند. این خلاصه‌ای از پرونده این جنایتکار است. اکنون عابد شده و ما (بازپرسان سابق) را افراد نابار و منحرف میخواند و برای خود طلب حکم برائت مینماید زهی بی شرمی.

خواهران و برادران هموطن، نمونه‌های تهرانی و شفاعت و آزادیهای بی‌رویه‌ای که طی دو ماه اخیر صورت گرفته همگی حکایت از نوعی اهمال و سهل‌انگاری و کم بها دادن به‌بقایای رژیم سفاک وابسته به‌اجنبی است و همین حرکات سبب تقویت ضد انقلاب و ساواک می‌شود ما در روزهای اخیر بخوبی انسجام افراد ساواک و عملیات هدایت شده آنها را دیدیم علیرغم دستورات دولت و فرمایشات آیت‌الله طالقانی و برنامه‌های هشدار دهنده وسیع رادیو تلویزیون مبنی بر دست داشتن ساواک در عملیات تهاجم به کتابفروشی‌ها و سازمانهای سیاسی و میتینگها و بجان هم انداختن گروهها، باز هم هنوز خطر اینگونه عملیات تهاجمی بر طرف نشده و تشنج را نزدیک می‌بینیم. روزهای اول انقلاب را در نظر بگیریم هر چه بر شدت عمل و روح انتقام دادگاه انقلاب افزوده می‌شد به‌همان نسبت فعالیتها و ارتباطات ساواک کاهش می‌یافت. هوشیاری و قاطعیت تا نابودی کامل عوامل سیا و ساواک جهنمی وظیفه هر مسلمان آگاه است.

والسلام

بازپرسان و قضات تحقیق سابق دادسرای انقلاب،
اسلامی تهران

نامه‌ای از برادر ارتشی

● این قلم نرم دارد و قایعی را که شبها در بانشگاه افسران اتفاق می‌افتد توضیح دهد.

بنام خدا

حضور شورای سردبیری نشریه امّت

من یکی از پرسنل وظیفه لشکر ۲ پیاده مستقر در پادگان قصر بودم و چندی پیش خدمت وظیفه خود را تمام نمودم می‌دانید که در آستانهٔ روز ۲۸ مرداد هستیم روزی که ارتش شاهنشاهی در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار گرفت و برعلیه ملت ایران برخاست پس بد نیست در آستانهٔ چنین روزی نگاهی به‌ارتش بیاندازیم.

من این مقاله را نه بعنوان تحقیق و بررسی، بلکه بمنظور نشان‌دادن اوضاع کلی و بخصوص روح حاکم بر ارتش برای شما نقل می‌کنم و در واقع می‌خواهم آنچه را که دردل دارم برای شما بازگو کنم امیدوارم که برای شما مفید باشد و شما را تا حدی به‌مسئله ارتش معطوف نماید.

در روزهای پس از انقلاب که برخی از سازمانها مواضع خود را در برابر ارتش اعلام نمودند از نظر من مطرود شدند، ولی اکنون می‌بینم که کاملاً حق با آنها بوده است. می‌بینیم که تمام برنامه‌های ارتش طاغوتی یکی‌یکی دارد پیاده می‌شود اکنون باور می‌کنم که سرهنگ یا سرگردی که یک عمر جاوید شاه گفتند و به‌سرباز و درجه‌دار بچشم غلام و نوکر نگریسته یکشبه افکارش عوض نمی‌گردد. افکار پوچ و ضد خلقی اینها را (که متأسفانه روزبروز تقویت می‌گردد) از صحبتها و رفتار توهین‌آمیزی که با درجه‌داران و بخصوص سربازانی که از طبقهٔ محرومین هستند، بخوبی میتوان تشخیص داد. آنها نهایت سوءاستفاده را از مطیع بودن زیردستان می‌نمایند و وقتیکه زیردستان تن به‌اطاعت کورکورانه نمی‌دهند، به آنها برچسب ضدانقلاب، کمونیست و غیره میزنند. خدا شاهد است که در این اواخر هر روز خدمت من مانند یکسال تمام میشد. بخدای علی (ع) قسم که این ارتش، ارتش اسلام نخواهد شد و خواهیم دید که با زود عملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا و دیگر جهانخواران قرار خواهد گرفت. تنها چیزی که مرا بخدمت علاقمند می‌کرد، آن بود که بیشتر پرسنل ارتش خصوصاً سربازان از طبقهٔ محرومین بودند و من هم می‌خواستم با آنها در تماس باشم چیزی که مرا خیلی ناراحت می‌کند سکوت دولت در برابر اوضاع جاری ارتش است. مثل اینکه ارتش از اوضاع جاری مملکت خشنود است!! بطور قطع دولت میداند در ارتش چه خبر است. دولت میداند که یکی از پایگاههای مهّم امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی همین ارتش با نهادهای ضد خلقی و پرسنلی تصفیه نشده است تصفیهٔ ارتش بخصوص در سطح افسران ارشد (سرگرد به‌بالا) بهیچ‌وجه رضایت‌آمیز نیست و حداقل میتوانم بگویم در پادگان ما تصفیهٔ خوبی صورت نگرفته است و همان افسران سابق با همان افکار ارتجاعی و مسخره حکومت می‌کنند.[1] و در مورد افسران جزء هم کم و بیش بهمین منوال است از شوراها هم حداقل ما سربازان چیزی نفهمیده‌ایم و اصلاً نمی‌دانیم اختیارات شوراها در چه‌حدی است.

هنوز هم مانند زمان شاه شستشوی مغزی در ارتش وجود دارد. میخواهد به‌پرسنل ارتش بقبولانند که بزرگترین دشمن ایران کمونیسم است! میخواهند به‌پرسنل ارتش بگویند که امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی سرکوب شده!! و اکنون دشمن ما فقط کمونیستها هستند!! متأسفانه پرسنل ارتش بعلت اختناقی که در زمان طاغوت بر آنها حاکم بود در حال حاضر هم نمی‌توانند مسائل مملکت را خوب تجزیه و تحلیل کنند و بیشتر مسایل کشوری را از دیدگاه سطحی مینگرند و این عدم آگاهی مزیدبر علل می‌گردد براحتی میتوان به پرسنل ارتش قبولاند که دشمن ایران کردها هستند! میتوان به‌آنها قبولاند که دشمن ایران برخی از سازمانها هستند! نمیدانم چرا بیشتر نظامیان و یا بهتر بگویم اکثریت ملت ایران جنایاتی را که آمریکا در حق ملت محروم ایران نموده است درک نمی‌نمایند. آمریکا در تمام جنایات شاه خائن سهیم بود، شکنجه و قتل‌عام بیرحمانهٔ مردم ایران، غارت بیت‌المال و دیگر خیانتها همه زیر نظر امپریالیسم آمریکا و وابستگانش صورت می‌گرفت. هنوز هم می‌بینیم که دست از سرما بر نداشته‌اند و تا آنجا که میتواند برسایر ملل محروم جهان فشار می‌آورد و می‌خواهد هرطور که شده دنیا را ببلعد.

در کنار فشار و اختناقی که می‌رود بر ارتش مسلط نمود می‌بینیم که فساد هم در کنارش رشد می‌کند نمونهٔ کوچکش باشگاه افسران لشگر است. این قلم شرم دارد وقایعی را که شبها در این باشگاه اتفاق میافتاد توضیح دهد[2] بهر حال همه چیز بسرعت در حال بازگشت بوضع سابق است.

هر چه بیشتر می‌نویسم بیشتر ناراحت می‌گردم و شما هم حتماً چنین حالی دارید منظور من از نوشتن این سطور نومید کردن شما نیست نومیدی همان کفر است ولی ما مسلمانیم مقصود من فقط رازو نیاز و آگاهی دادن است من بعنوان یک ایرانی و یک مسلمان از شما نیروهای مترقی تقاضا دارم که همیشه بیاد ۲۸ مرداد باشید و نیم‌نگاهی به‌ارتش داشته باشید. فراموش نکنید که در اثر کودتای ارتش بانهادهای ضد خلقی، خلق ما ۲۵ سال در زیر شدیدترین فشارها قرار گرفت. در پایان موفقیت شما نیروهای مترقی و طرفدار محرومین را از خداوند متعال خواهانم.

امضاء ــ الف ــ ملک.

لازم بتوضیح است که:

۱ ــ آنطوری که من از جراید و رادیو تلویزیون فهمیده‌ام مثل اینکه بیشترین تصفیه در لشکر ۲ (گارد سابق) صورت گرفته و بدین‌ترتیب میتوان اوضاع سایر پادگانها را پیش‌بینی نمود.

۲ ــ در ماه مبارک رمضان این محلّ تعطیل بود.

اگر میخواهید این مقاله را در نشریه خود چاپ کنید آزاد هستید و اگر بنظر شما این مقاله طولانی است قسمتهایی را که خود زیاد مهم نمی‌دانید حذف کنید.

برادر حسن غانم از اصفهان

ما هم مانند شما معتقدیم که «این واقعیتی است ملموس و محسوس» که خلق عرب مانند سایر اقلیتهای دیگر مورد استضعاف و مخصوصاً ستم فرهنگی قرار داشته‌اند. و این که ما در مقاله «تهاجم نظامی راه حل...» مشخصاً به‌اسم از خلق عرب نام نبرده‌ایم، صرفاً یک لغزش ناآگاهانه بوده است و منظور خاصی از این امر نداشته‌ایم.

باز هم برایمان بنویسید.

برادر قهرمان حیدری ــ

نامه‌های شما را دریافت کردیم از اینکه مسائل را اینگونه عریان برای ما می‌نویسید از شما متشکریم. با ما در تماس باشید.

بقیه از صفحه ۵

پالایشگاه ...

ضمناً چند وقت پیش برای حل مشکلی به‌پالایشگاه اصفهان رفتیم و در آنجا فردی را تصفیه کرده بودند که ایشان را به‌این پالایشگاه آورده و بادادن دو رتبه بالاتر به‌کار مشغول کرده‌اند، از اصفهان که برگشتیم میخواستیم خدمت امام برسیم، باز گفتیم تماسی با آقای صباغیان بگیریم چون گفتند. صلاح است که ابتداء تماس بگیرید. امام زود عصبانی میشوند. و واقعاً درست است چون کار امام انقلابی است، رفتیم پیش آقای صباغیان و مشکلات خود را با ایشان در میان گذاشتیم هنوز پیش امام نرفته‌ایم ولی از جاهای دیگر انجمن اسلامی اداره مرکزی بخدمت امام رسیده‌اند. و ۲۲ مورد دربارهٔ آقای نزیه در مقابل امام گذاشته بودند و آبادان هم رفته بود که ما هم رفتیم ولی بخاطر عدم تداخل وظایف و مشکلات خود را با امام در میان نگذاشتیم ولی حالا می‌بینیم که نمیشود.

تذکر

کلیه مقالات و نامه‌های با امضاء، دربرگیرندهٔ مواضع و تحلیلهای شخص و یا گروه امضاء کننده می‌باشند و الزاماً دربرگیرندهٔ مواضع «امت» نمی‌باشند. کلیه مقالات و مطالب بدون امضاء، نظریات و مواضع «امت» بوده و مسئولیت حقوقی و اخلاقی و... در قبال مطالب آن بعهدهٔ ما می‌باشد. بنابراین منظور ما از درج یک مقاله یا نامهٔ با امضا؛ در هفته‌نامهٔ «امت» تأئید کلیهٔ مطالب آن نبوده و معیار ما «در مجموع مثبت بودن» محتویات مقاله و یا نامه و... می‌باشد.

تــوطئه امپریــالیسم و صهیونــیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

بقیه از صفحه اول

پالایشگاه نفت تهران

موفق نشد. من که از سال ۴۹ تا ۵۱ نماینده بودم برای پیشبرد خواست کارگران فعالیت میکردم. نامه و طومار این‌ور آنور می‌نوشتم. ولی بالاخره در عمل همه متوجه شدیم که بایستی بجای فردی، جمعی فعالیت بکنیم لذا در سال ۵۱ سندیکا درست شد. افراد ناجوری از جمله رئیس، در این سندیکا خودشان را جا داده بودند که با اعتراض کارگران عوض شد. بین سال ۵۱ تا ۵۳ کارگران برای تحقق خواسته‌های خود از جمله «جیره جنسی» دست به‌اعتصاب زدند با ورود کارگرانی از آبادان و شیراز اعتصابات وسیع‌تر شد. بنا به‌تصمیم قبلی کارگران زمانیکه دستگاه‌ها خاموش بود دست از کار کشیدند. چون در همین کار دستگاهها، اعتصاب معنی نداشت وتولید صورت می‌گرفت لذا مسئله که این بار بگوش اقبال رسید ناچار پذیرفت. بعد از این مسئله تعاونی پیش آمد و این منجر به‌درگیری با ساواک و دستگیری من شد و این افتی در تولید ایجاد کرد. تا سال ۵۵ عملا مسئله رخ نداد. تا آقای امینیان آمد و کارها را رونق بخشید آخرین اقدام وی صدور اعلامیه ۲۲ صفحه حاوی خواست‌های کارگران، در تهدید به‌اعتصاب در صورت عدم توافق بود. طبق قرار قبلی بعلت عدم توافق با خواستهای ما در روز ۱۷ شهریور ۵۷ در کارخانه چادر زدیم (اولین روز حکومت نظامی) بعد از دو، سه روز با هجوم توپ و تانک‌های ارتشی مجبور به‌جمع‌اوری چادرها شدیم ولی بعد از آن حدوداً یک ماه دست به‌اعتصاب زدیم. در فلان اعتصاب پرزشکپور نماینده مجلس با ما وارد مذاکره شد و با قول اینکه خواسته‌های ما بایستی زمان‌بندی گردد تا بمرور زمان تحقق پذیرد، عملاً اعتصاب ما را شکست. در این زمان اعتصاب کارگران جنوب که دارای خواست‌های سیاسی بود شروع شد. ما فهمیدیم آن مذاکرات برای فریب ما بوده است، این بود که کارگران دست به‌راه‌پیمایی زدند و ۱۱ روز سر کار نرفتند در این مدت از کمک‌های مادی روحانیون، بخصوص کارگران مستحق برخوردارند. در فلان اعتصاب عکس‌های شاه را پائین آورده و عکس‌های آقا را بجایش نصب کردیم و اعتصاب را تا سرنگونی رژیم ادامه دادیم.

سئوال: خواسته‌های ابتدائی شما چه بود؟

خواست‌های ما که بیشتر جنبه صنفی و اقتصادی داشت در همان اعلامیه ۲۲ صفحه‌ای اعلام شده بود ولی بعداً جنبه سیاسی بخود گرفت و ما تعدادی زندانی سیاسی دادیم. با اینکه می‌دانستیم خواستهای ما به‌این زودی عملی نمیشوند ولی آنها را با آقای شریعتمداری در میان نهادیم و ایشان با آقای پزشکپور تماس برقرار نمود و ایشان مسئله را حل کرد. از اقدامات دیگر ما تشکیل ستاد یا سندیکای مشترک کارگران و کارمندان بود. کارمندان که بعلت کار در طول اعتصاب از اضافه حقوق برخوردار میشدند و عملاً از اعتصاب بکنار بودند با این عمل بما پیوستند.

س: چه زمانی توانستید بین این پالایشگاه و سایر پالایشگاه‌ها ارتباط برقرار نمائید؟

در روز جمعه سیاه همبستگی کارگران و کارمندان زیادتر شد بطوریکه تعدادی از آنان در چادرها دست به‌اعتصاب غذا زدند حتی مداخله گروهائی به‌سرکردگی سرتیپ نوذری بفا نیز نتوانست صفوف اعتصاب را در هم شکند و قادر نشدند عکس آقا را پائین بکشند بطوریکه در رستوران یکی از کارگران داد زد، **اول باید سینه مرا سوراخ سوراخ کنید بعد این عکس را پائین بکشید.** کارگران در مذاکره با او به‌نتیجه نرسیدند و قرار شد بعد از ۴۹ ساعت نتیجه را به‌او بگویند. در این فاصله مانده بودیم که چکار کنیم، تا اینکه با آیت‌اله طالقانی تماس گرفتیم ایشان پیشنهاد کردند خطر جانی وجود دارد پالایشگاه را ترک نمایند. ما با دادن قطع نامه‌ای بیرون آمدیم در این مدت از کمک‌های مادی روحانیت نیز برخوردار بودیم.

یکی از نمایندگان

موقعی که کمک‌های روحانیت را که بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان برای افراد متحصن بود، از طریق سندیکای مشترک بین پالایشگاههای دیگر پخش می‌کردیم، توانستیم با سایر کارگران تماس برقرار کنیم. در این موقع اعتصابات هماهنگ شده بود و تعدادی هم دستگیر شده بودند با تمام سعی و کوششی که بچه‌ها برای نابودی خفقان و استثمار مبارزه می‌کردند ولی اکنون با اینکه سندیکا فعالیت میکند عملاً می‌بینیم **حق گرفتنی است نه دادنی. دولت عملاً از تشکیل شوراها و اداره پالایشگاه از طریق هیئت مدیره شورائی مخالفت میکند** و جواب قانع کننده‌ای هم به‌خواست‌های ما در این مورد نمی‌دهد. ما می‌خواهیم بدانیم **انگیزه دولت در مورد این مخالفت‌ها چیست؟** آقای نزیه که در ابتدای کار با بغض در گلو و گزیه صحبت می‌کرد بطوریکه ما گمان کردیم او طرفدار کارگر است ولی بعدها معلوم شد ایشان این شیوه‌ها را خیلی جاها بکار گرفته‌اند و تا کنون عملاً گامی در جهت رفاه کارگران و تامین وسایل بهداشتی برنداشته‌اند همان تبعیضات در مثلاً در بیمارستان دیده میشود. ما می‌خواهیم بر مبنای جامعه بی‌طبقه توحیدی حرکت بشود.

علیرغم تاکیدات مکرر امام مبنی بر برابری همه، قسمت رؤسا و کارمندان و کارگران جداست. آقای بازرگان با اینکه مرد محترمی است ولی انقلابی نیست از این نظر سلسله مراتب همان است و مدیران همان و این جهت **خواست‌های امام نیست ما می‌خواهیم سیستم عوض شود نه صورت‌ها.** کارگران که در تصمیم‌گیری‌ها دخالتی ندارند، شرکت و دخالت داده شوند.

س: به‌نظر شما چرا از تشکیل شوراها جلوگیری میکنند؟

ج ــ ما در نشستی که با آقای صباغیان وزیر کشور داشتیم، بعد از در میان گذاشتن این مسئله با ایشان، نظر ایشان این بود که تشکیل شوراها اختلال در امور ادارهٔ دولت بوجود میآورد و این نظر خودشان تنها نبود، بلکه نظر دولت نیز می‌باشد.

ما از گوشه و کنار می‌شنویم که آقای نخست‌وزیر و آقای فروهر که طرفدار سلسله مراتب می‌باشند و مخالف شورا هستند. و می‌دانیم که آقای فروهر نیروی ویژه‌ای جهت انحلال شوراها ایجاد کرده است ممکن است که ظاهر امر بطور رسمی نباشد ولی به نظر من دولت میخواهد با سوءاستفاده از اسلام، یک مالکیت خرده پا را در ایران نگهدارد و عملاً سهمیهٔ کوچکی برای کارگران نگه دارد. ولی اسلام مالکیتش به‌اینصورت نیست. و اصولاً تز اسلام با تزی که اینها پیاده می‌کنند خیلی فرق دارد. بنظر من دولت هر نیرویی را که در جهت مخالف سرمایه‌داری باشد سرکوب می‌کند و میدانیم که سرمایه‌داری مورد تأیید امام نیست. تمام کارگران بار دیگر اگر وضع به‌همین طریق بماند، خیلی زود مبارزه را شروع می‌کنند و انقلابی در این انقلاب ایجاد خواهد شد.

س ــ لطفاً رابطهٔ پالایشگاه را با افراد خارجی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بفرمایید؟

ج ــ نقطهٔ وابستگی ما به‌خارج همین نفت است و ارتش. و همین وابستگی نفت بود که ایجاب می‌کرد ارتش نیز وابسته شود تا از چپاول نفت آنها حمایت کند. این بود که از طریق شاه ارتشی بوجود آوردند که مدافع منافع آنها بود. گازمان را از طرفی می‌بردند و بجای آن ذوب‌آهن بی‌ارزش بما دادند و عملاً می‌بینیم که تولید آهن به‌صرفه نیست نفت را می‌بردند و تبدیل به‌ماتیک و مواد پتروشیمی میکردند و برگشت می‌دادند و ما را به‌نوع دیگر وابستگی یعنی وابستگی فرهنگی مبتلا کرد و منشاء تمام وابستگی‌ها نفت بود. همین بریدن این خط وابستگی یعنی اعتصاب نفت باعث قطع تغذیهٔ امپریالیسم شد. ولی امپریالیسم سعی کرد که این وابستگی‌ها را دوباره ایجاد کند و نمونهٔ آن عدم کارآئی در براه انداختن پالایشگاه اصفهان می‌باشد زیرا از نظر تکنولوژی قادر به‌این کار نیستیم و اگر هم باشیم بدلیل آنکه شرکت فلور آمریکائی برای براه اندازی دستگاهها گارانتی می‌خواهد زیرا اگر تکنسین ایرانی دست زد و بعد خراب شد دیگر آنها تضمین نمی‌کنند.

شوراها فعالیتشان در حد قسمت خود بوده و فقط گزارش آنرا به‌سندیکا میدهند بعنوان مثال روابطی انسانی بین کسانی که در یک کارگاه کار می‌کنند با مدیر آن قسمت وجود دارد. که مسئول این روابط انسانی شوراها هستند از نظر اضافات سالانه از نظر گزارشهائی که برای شایستگی یک نفر رد می‌کنند. از نظر جابجائی، از نظر انتصابات در آن قسمت شورا نظر میدهد فرضاً برای احراز پستی شورا باید آنرا تصویب نماید. ساعات کار را بعنوان مثال میخواهند در آن قسمت عوض کنند که بجای دیگری بستگی نداشته باشد. این مسئله را شورا نظر می‌دهد. سندیکا از روز تأسیس، نظر به‌اینکه واقعاً گرفتاری‌هایش بعلت تضادش با دولت زیاد است و از طرفی اگر دولت با سندیکاها همگام بود مشکلات ما حل میشد ولی چون ما هماهنگی بین دولت و قاطعیتی از دولت نمی‌بینیم و اصولاً هنوز وزیر کار موضع خود را مشخص نکرده و ما را بدنبال خود میدواند مثلاً کافی است موضع خود را مشخص کند که سیستم این مملکت طوری است که کارگران و کارمندان باید جداگانه حرکت کنند بلافاصله با انتخاباتی که ما کردیم (بطور ۶ نفر، ۶ نفر) بلافاصله جدا شد و حرکتهای خود را دنبال می‌کنیم ولی باز هم در مسائلی که مشترک هستیم با هم هستیم.

سندیکا در اینجا از نظر حمام که سالها وعدهٔ آنرا می‌دادند خودش بیل و کلنگ دست گرفت و شروع به‌کندن نمود و وقتی دیدند که با خود یاری خودشان دارند این کار را می‌کنند آمدند و شروع به‌ساختن آن کردند. الآن رستوران پالایشگاه تهران که قبلاً در دست پیمانکار بود و مبالغی هنگفت سود می‌برده کار آنرا پالایشگاه زیر نظر سندیکا در دست گرفته و آنرا اداره می‌کند. ماشینهای کالاتی که زیر پای رؤسا بوده و پیمانکاران پول هنگفتی را بجیب می‌زدند را گرفته و پیمانکارهای دیگر را هم سندیکا زیر نظر خواهد گرفت. یک شرکت تعاونی درست خواهد کرد که الان اساسنامه آن آماده است و خود کارکنان سهم آنرا خواهند خرید و بصورت تعاونی این پیمانکاری را اداره کنندتا زمانیکه دولت موضع خود را در مورد و پیمانکاریان اعلام نکرده است از نظر پرسنلی قوانینی که تا بحال وجود داشته پیشنهادات خود را داده که قدرت اجرائی ندارد و دخالت را باید با نیروی مسلحانه آنرا انجام دهند چون تا بحال هرچه طرح و پیشنهاد داده‌ایم همگی بایگانی شده‌اند چون همانهائیکه در زمان شاه برای ما طرح ارائه میدادند الآن نیز مسئول هستند و چون شناختی نسبت به‌محیط ندارند هر قانونی که دلشان بخواهد پیاده میکنند. در مورد مسکن و کمک مسکن اقداماتی کردیم برادران کارگر که قبلاً کمک هزینه مسکن آنها را نمی‌دادند برای آنها گرفته‌ایم ۷۵۰ تومان که دولت برای مستخدمین دولت میداد برای کارگران صنعت نفت هم گرفته‌ایم (درسطح تمام پالایشگاهها) در مورد بهداشت فشارهای زیادی را به‌بیمارستان وارد کردیم و تقریباً توانستیم رؤسای قبلی را عوض کنیم ولی خوب به‌قول مهندس بازرگان: قحط الرجال است، ولی اگر بخواهند، ما رجال داریم ولی باید کسانی را بیاورند که بتوانند حرفهایشان را به‌آنها بزنند و آنها آنرا پیاده کنند. دوباره کسانی را سرکار گذاشته‌اند که با ما فاصلهٔ زیادی دارند. ولی تقریباً توانسته‌ایم نفوذهائی در آنجا داشته باشیم این کارهائی بود که ما در این مدت انجام داده‌ایم ولی باز چون فکر ما بیشتر در جهت سیاسی است زیاد فکر خود را متوجه مسائل صنفی نمی‌کنیم. چون اوّل ما باید ببینیم را بشناسیم که چی هست؟ موضع دولت را ببینیم چیست؟ وقتی نسبت به‌این دولت مطمئن شویم که موضع خود را اعلام کرد، آنگاه دنبال خواسته‌های صنفی میرویم. در غیر اینصورت حرکت ما یک حرکت سیاسی خواهد بود.

خواسته‌های کارگرانی:

ج: خواسته‌های کارگرانی صنعت نفت مانند خواسته‌های تمام کارگران ایران میباشد.

از نظر مسکن، بهداشت و درمان:

خواسته‌های کارگران نفت زیاد می‌باشد و ما تا بحال اگر چندان توجهی به‌برآورد کردن خواسته‌های خود نداشته‌ایم صرفاً بدلیل این بود که میخواسته‌ایم بدولت کمک کنیم. اما اکنون فکر می‌کنیم که باد رنگ خود به‌کارگران خیانت می‌کنیم. چون آن دولت، دولتی نیست که ما فکر میکردیم باید به‌آن کمک کنیم یا مدیر عامل، آن مدیر عاملی نیست که می‌بایست به‌آن کمک کنیم. فردیست دروغگو حیله‌گر است. و از موقعیت خود برای نفع سیاسی خود استفاده میکند.

در صفحه ۴

ــ باقی مانده جان خود را در راه مبارزه با هر حرکت ارتجاعی بکار خواهیم گرفت.

ــ با هر حرکت انحصارطلبانه مبارزه می‌کنیم.

ــ آقای نزیه می‌گوید درآمد یکروز نفت را به‌کارکنان نفت دادیم که تا بحال نداده‌اند.

ــ منتظر هستیم که چند روز دیگر بعنوان ضد انقلابیون به‌سراغ ما بیایند.

ــ مشکلات ما را چه کسی بهتر از خود ما میتواند درمان کند

گزارشی از چگونگی تشکیل شورای بخش سیمان در همدان

وَ اَمْرُهُم شُورىٰ بَيْنَهُم:

سیمان یکی از اقلامی بود که در انحصار رژیم پهلوی و وابستگان آنها بود و بهمین جهت مردم مستضعف ما همیشه با مشکل بازار سیاه و در نتیجه کمیابی آن مواجه بودند، از سوی دیگر ایجاد پایگاههای عظیم نظامی و پروژه‌ای سنگین وابسته به‌امپریالیزم جهانی قسمت عمده‌ای از این مصالح ساختمانی را بخود اختصاص داده بود.

بعد از انقلاب اسلامی ما و قطع ایادی وابسته به‌رژیم انتظار خلق مسلمان ایران در این بود که در اولین فرصت ممکن کارخانه‌ها بخصوص کارخانه‌ای سیمان ملّی و اسلامی شود و تولید آنها کنترل و انحصارطلبی و احتکار از بین برود. ولی متأسفانه اولیای امور با مسامحه‌کاری و اشکال‌تراشی در کار کارخانه‌ها نه تنها کارخانه‌ها را به‌آن صورت مطلوب ملی نکردند بلکه نتوانستند از احتکار و کار سرمایه‌داران که تولید کارخانه را یکجا میخرند و کم‌کم بوسیلهٔ بازار سیاه میفروشند جلوگیری کنند و باری از دوش مسئله مسکن که یکی از گرفتاریهای مستضعفین است برداشته شود.

از چندی قبل در همدان کمیسونهایی مرکب از نمایندگان استانداری و شهرداری و دست‌اندرکاران سیمان و آیت‌اله عالمی در شهرداری برای حل مسئله سیمان تشکیل شد که در کمیسیون آخر با قاطعیت و نظر شخص آیت‌اله عالمی که سیمان بخش خصوصی را جوانان تحصیل کرده و انقلابی شهر که مورد اعتماد ایشان هستند اداره شود. بهمین منظور شورائی از جوانان زیر نظر آیت‌اله عالمی با کمک مادی اشخاص خیر تشکیل و قرار بر این شد که از هر کیسه سیمان ۱۰ ریال به‌نفع مستضعفین بعنوان سود احتساب شود و سیمان به‌قیمت بسیار نازلی در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد.

جوانان ما با وجود مشقات فراوان این دعوت و نظر آیت‌اله را که یک اقدام انقلابی بود قبول کرده و حتی در مورد کمبود سرمایه حاضر شدند که خودشان از بانک مهدیه همدان پول قرض کنند، و در ابتدا بدون چشم‌داشت حقوق و مزد شروع بکار کردند چون معتقد هستند که اقدامیت علیه استثمار فرد از فرد و استثمار مستکبر از مستضعف، حال نزدیک دوماه از این مهم و شورای اسلامی می‌گذرد، و مردم شهر علیرغم نارسائیهای موجود ــ نرسیدن سیمان به‌موقع بدلیل وجود عناصر سرمایه‌دار و واسطه و در نتیجه ایستادن در صف و نوبت گرفتن ــ به‌وضوح احساس میکنند که از دست محتکرین و انحصارچی‌ها رها شده و از سوی دیگر چون میبینند که در رأس اینکار جوانان تحصیل کرده شهر که هیچگونه سود و منافع شخصی در این بین ندارند قرار گرفتند همهٔ سوءظنها و عقده‌های گذشته که از دستگاههای اجرائی بخصوص شهرداری داشتند، تا اندازه‌ای برطرف شده و خودشان در جهت اداره امور آن کمک و مساعدت می‌کنند. به‌امید پیروزی بیشتر در تشکیل شوراهای کارگری ــ صنفی و... و در نتیجه خلع‌ید از صاحبان سرمایه و کارخانه‌داران وابسته به‌امپریالیزم.

پیش بسوی تشکیل شوراهای اسلامی

۲۹ر۵ر۵۸

گزارش از اهواز

طرح انقلابی دولت را ارج می‌نهیم.

طرح انقلابی دولت را در ایجاد شرکت ملی حفاری که خواست دیرینه کارگران حفاری جنوب بود ارج مینهیم.

پس از مدتها تلاش و پشتکار برادران کمیته کار و ارائه طرحهای مناسب و نیز دلسوزی بعضی از مدیران شرکت نفت و بسیج همگانی کارگران برای تحقق این هدف امروز با خبر شدیم که طرح شرکت ملی حفاری ایران بعنوان یک واحد مستقل بتصویب دولت رسیده است. این خبر را امروز آقای سرکبسیان که بجای آقای رئوفی درسمت ریاست هیئت مدیره نفت جنوب هستند طی تماس تلفنی به برادران کمیته کار اظهار داشتند و با شنیدن این خبر موجی از شادی در میان کارگران شرکتهای حفاری بوجود آمد ضمن اینکه با یک طرح انقلابی دیگر قرار است باقی‌مانده کارگران شرکتهای حفاری به‌استخدام شرکت نفت درآیند و شرکت ملی حفاری ایران بعنوان یک واحد مستقل متشکل از متخصصین این رشته و افراد با سابقه و کارگران فعال بکار خود ادامه میدهد.

ما ضمن تبریک به‌کارگران شرکت حفاری جنوب امیدواریم که سایر طرحهای انقلابی بود بود مستضعفین بمرحله اجرا درآید ضمن اینکه شورای اسلامی کارگران با کمک گرفتن فکری و معنوی از کمیته کار و با جدیت و پشتکار در این کار نیز سهم داشته‌اند ما زحمات مداوم و پی‌گیر برادران کمیته کار را ارج نهاده و موفقیت بیشتر آنان را در راه تحقق اهداف توحیدشان از خداوند خواستاریم.

بنام خدا

صورت جلسه مورّخه ۳۱ر۴ر۵۸ برای اطلاع کارگران کارخانه

شورای اسلامی به‌اطلاع میرساند که در مورخه ۲۴ر۴ر۵۸ که خواسته‌های قانونی کارگران که کتباً به‌شورا رسیده بود پس از تبادل‌نظر بصورت بخشنامه صادر برای آگاهی شما در سالن زده شد و نیز برگی برای عمل کرد به‌سندیکا مسترد گردید و قرار بر این شد سندیکا در هر جلسه همزمان با ما حضور یافته و در مسأیل کارگری و مشکلات کارگاه تبادل‌نظر و نیز پاسخ مثبت به‌خواسته‌های قانونی کارگران داده شود اما برعکس اگرچه تا به‌امروز مخالفتهای لفظی با تشکیل شورا که نیز خود تأیید کرده‌اند داشته‌اند ولی در این جلسه نه تنها مانند جلسات قبل مشارکت نداشته‌اند بلکه عملاً از تشکیل جلسه خوداری و کلید درب سندیکا که خانه کارگر محسوب میشود نزد خود نگاه داشته‌اند بخاطر عدم تشکیل جلسه ولی شورا بنا بر وظیفه‌ایکه بعهده دارد بخصوص که رهبر انقلاب امام خمینی و مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی تشکیل شوراها را در سطح کشور امری ضروری دانسته لذا اعضاء شورا از وظیفه خویش سرباز نزده و در روی زمین پر از گردوخاک مقابل درب سندیکا تشکیل جلسه داده و درباره پاره‌ای از مشکلات و موانعی که در سر راه‌مان قرار دارد و سندیکا و مدیرعامل شرکت سبب آنند تبادل‌نظر گردید.

شورای اسلامی کارکنان شرکت خسروی

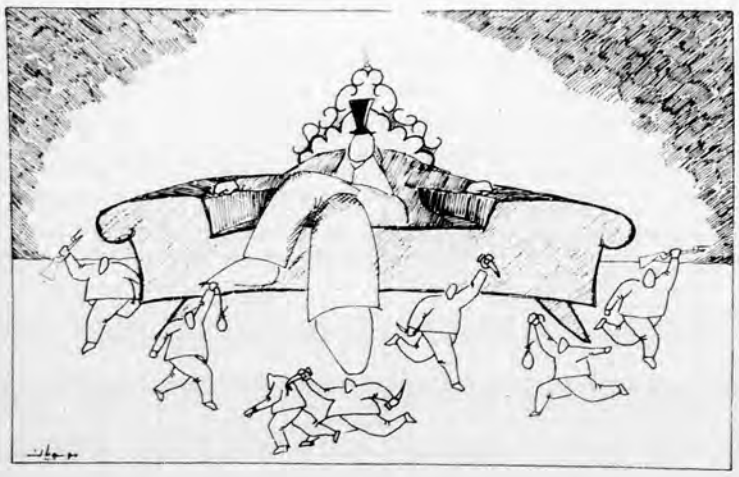

خلع‌ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور به شورای اسلامی کارگران تنها راه خروج از بن‌بست است

جمعه قدس

باز هم جمعه پس از جمعه‌ها
در امتداد خطی سرخ
در یکسیر و در یک تسلسل روشن
این‌بار جمعه قیام و قدس
این‌بار جمعهٔ شتاب و شوق
این‌بار جمعه‌ای برای آغاز نبردی بزرگ
تا در میان صخره‌ها و سبزه‌های سرخ فراسوی این‌دیار
بار دگر جامهٔ خود سرخ کنیم و با خون خود غسل دگر
آری این جمعه یادآور تلاش شهیدان است و
این جمعه آغاز تلاش دگر است تا روز مرگ جور و ستم
این جمعه روز پیام است پیام قم
آری این جمعه روز فلسطین است سرزمین قدس
و اینک تو ای فلسطین ای سرزمین جهاد و شهادت
ای قربانی خیانت خائنین و حیله منافقین
بار دگر بیاخیز تا با هم بیارائیم بستر سرخ شهادت را
آری ای فلسطین این‌بار با عزمی دگر
برای پاسخ به‌ندای قدس سیرتی از تبار ابوذر
در تداوم و تسلسل انقلاب ابراهیم[۲] پت‌شکن
در سایه‌سار وحی محمّد (ص)
و در صف انقلاب وارث انتخاب حسین (ع)
در راه پرفراز و نشیب روح خدا
در قلهٔ رفعت لیلةالقدر که میتوان نظاره‌گر فتح بود
بار دگر خود را بخوان و خویش را بیاب
آری آن خویشتنی که آغازگرش محمد (ص) بود و تبلورش علی (ع)
یکباره همصدا با خیل مسلمین
با چنگ‌زدن به‌ریسمان محکم خدا
با یاد همیشهٔ خدا و با رهنمود خدا
که اتحاد علی‌الکفار راهی همیشگی است
و آخرین کلام ما راه یگانگی است
و یگانه کلام ما
درود گرم ما بر فلسطین
و سلام داغ ما بر چریک راستین فلسطین
عزیز باد یاد فلسطین و
نثار باد خونمان براه فلسطین.

محمود اسدبیگی

۵۸/۵/۲۵

شبیهه

ازآیه انقلاب را
اینک دو اسب می‌کشد
درمانده از ضرورت«رفتن»
اسبی سیاه، راغب «بازگشت»
اسبی سپید، رام «چریدن» !
و «جاده»، دور و ناهموار
آغوش پرنیاز گشوده
تا ژرفنای دامنهٔ کهسار...
ازآیه‌ران تنها
اسبان تیزتک و بر نفس[۱] «لاغر میان»
ـ آن موریات قدح و مغیرات صبح را[۲] ـ
کز دوردست
ـ نماید ز بیم زلزله‌ای سخت ـ
شبیهه می‌کشند!
از یاد برده است..

ن. م مهاجر
مشهد ـ ۱۵ مرداد ۵۸

۱ و ۲ ـ قرآن، سورهٔ العادیات ـ آیات ۱ و ۲ و ۳ تا آخر

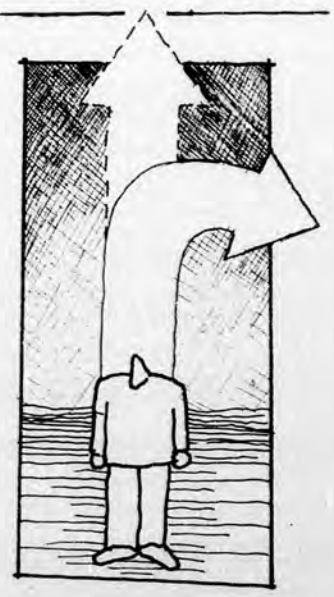

«بنام خدا»

ولا تحسین الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

گرامی باد خاطره

شهادت برادر مجاهد غلامرضا سرداری

شهدا بمثابه ستاره‌های درخشانی هستند، که شب‌های تاریک و پرظلمت تاریخ را منوّر و راه رهائی از بندهای اسارت را به خلق نمایان و با شهادت خونین خویش محو تاریکی و نزدیکی فجر و طلوع عظیم خورشید انقلاب را نوید میدهند. بی‌تردید غلامرضا، این فرزند شهید خلق از ستاره‌های درخشانی است که در سالهای خفقان و اوج دیکتاتوری رژیم ننگین پهلوی از پیشگامان مبارزه و رهگشایان راه رهائی خلق از بندهای اسارت بود.

غلامرضا در طول عمر کوتاه خویش لحظه‌ای از تلاش و ایثار مال و جان در راه خدا و خلق نیاسود و سرانجام در این مسیر جان باخت. برادر غلام در سال ۱۳۳۰ در یکی از دهات اطراف شهرستان خوی در خانواده‌ای کارگری بدنیا آمد و از اوان زندگی با فقر آشنا و طعم تلخ محرومیت میلیونها هموطن خود را درک نمود، و همانند سایر مستضعفین بالجام کارهائی از قبیل چوپانی، کار در مزارع و کارگری، هزینه تحصیل و زندگی خود را تأمین مینمود.

در ۱۳ سالگی پدرش را که تنها نان‌آور خانواده ۱۱ نفری بود از دست داده و فشار به آنان بیش از پیش افزایش یافت. غلامرضا در نوجوانی مسائل اجتماعی را خوب درک میکرد و به فقر و محرومیت میلیونها هموطن خویش و به رفاه و آسایش تعداد معدودی ثروتمند و اشراف می‌اندیشید. او با شور و علاقه‌ای وصف‌ناپذیر به مطالعه و تحقیق ایدئولوژی اصیل و انقلابی اسلام میپردازد و تقوا و وارستگی‌اش موجب درک عمیقش از ایدئولوژی اسلام که تنها راه نجات خلقها از بند استثمار و رسیدن به فلاح است میشود.

در سال ۴۹ دوره دبیرستان را در شهرستان پایان رسانده و در کارخانه قند خوی مشغول به کار شده و از نزدیک شاهد بدترین مناسبات استثماری حاکم بر محیط کارخانه میشود. غلام در سال ۵۰ در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته میشود و با ورود به دانشگاه و آشنائی با سایر برادران مبارز فعالیتهای سیاسی‌اش زیاد میشود، کتابهای استاد شهید معلّم انقلاب دکتر علی شریعتی لحظه‌ای از او جدا نمیشد و صداقت وصف‌ناپذیرش تأثیر عمده‌ای در برادران هم‌رزمش بجا میگذارد.

یکسال بعد او همراه با مجاهدین شهید محمود جلیل‌زاده شبستری، محمود رحیم‌خانی و..... برای مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا در جهت تحقق آرمان مستضعفین یک گروه رزمنده را با ایدئولوژی اسلامی و مشی مسلحانه پایه‌ریزی میکنند. گروه با شیوه‌های انقلابی و با تدارک لوازم تکثیر اعلامیّه، ماشین تایپ و اسلحه در جهت افشاءگری رژیم و ترور عناصر مهم ساواک کار خود را آغاز میکند. در سال ۵۴ بدنبال ضربه وارده بر گروه از طرف ساواک و منحرفان چپ‌نما، (تماس یکی از اعضاء گروه با سازمان مجاهدین خلق و لو رفتن این عنصر فعال توسط منحرفین چپ‌نما) غلام با تلاش خستگی‌ناپذیر و هشیاری بسیار گروه را بازسازی و تداوم و فعالیت گروه را تحقق می‌بخشد.

در ۱۹ فروردین ماه ۵۵ او با هشیاری و زیرکی از چنگال ساواک گریخته و زندگی مخفی را اختیار میکند و با وجود شرایط سخت زندگی در سالهای ۵۴-۵۵ هیچوقت تزلزلی در اداره انقلابیش وارد نشده و همواره برادران همرزمش را به داشتن تقوا بعنوان محور اصلی کارها دعوت میکرد. در جواب یکی از برادرانش که پیشنهاد خارج رفتن را به او کرده بود میگوید:

«من برای رهائی مردم محروم و تحت ستم مبارزه مسلحانه را علیه رژیم دست‌نشانده شاه برگزیده‌ام و باید در میان این محرومین جان دهم.»

غلام به تاریخ ۵۵/۶/۱۲ در اثر لو رفتن محل قرار همراه با برادر مجاهدش غلامرضا قاسم‌زاده در خیابان کهن در یک درگیری با مزدوران رژیم و دژخیمان ساواک به شهادت میرسد.

رژیم سفاک از پخش خبر شهادت آنان برای جلوگیری از وسعت مبارزه ممانعت میکند غافل از اینکه شهید هرگز نمیمیرد و از هر قطره خونش صدها شهید دیگر بپا میخیزد چه، این سنت الله است.

یادشان گرامی و راهشان کوبنده و پرافتخار باد
با درود به تمام شدهای بخون خفته خلق
خاطره و راه شهیدمان را گرامی میداریم

عدم تصفیه عناصر وابسته

در بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی

تاریخ سی‌ویکم مرداد ماه سال یکهزاروسیصد و پنجاه‌وهشت

حضرت آیت‌اله العظمی امام خمینی

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر موقت جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای مهندس ایزدی وزیر کشاورزی و عمران روستائی

جناب آقای معین‌فر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه

رونوشت هفته‌نامه است

محترماً طی مشروحه مورخه ۱۳۵۸/۴/۳۰ تحت‌عنوان ساواک به‌بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی چنگ انداخته است مفصلاً با ذکر شواهد و دلائلی باستحضار رسید لیکن با وجودیکه بیش از یکماه از تاریخ تقدیم آن میگذرد و متأسفانه هیچگونه نشانه‌ای که حاکی از کوچکترین اقدام در مورد مراتب اعلام شده باشد بچشم نمی‌خورد اما چون همانطوریکه در نامه افشاگرانه مورخ ۱۳۵۸/۴/۳۰ بعرض رسید چون بانقلاب اسلامی ایران ایمان داشته و میل ندارم عناصر ضدانقلاب و ساواک با اقدامات زیرپرده موجب رکود و توقف در پیشبرد اهداف انقلاب گردند موضوع را مجدداً تعقیب و پی‌گیری نموده و امیدوار است. مسئولین این‌بار توجه فرموده و اقدام عاجل و سریعی معمول فرمایند ذیلاً عین مشروحه مورخ ۵۸/۴/۳۰ مجدداً باستحضار میرساند.

ساواک به‌بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی چنگ انداخته است.

محترماً باستحضار عالی میرساند قبلاً از اینکه مراتب معروضه قدری طولانی خواهد شد معذرت میخواهم زیرا حقایق باید کاملاً روشن گردد.

اینجانب حیدر محبتاش زمانیکه در دوره متوسطه در دبیرستان شیراز (دبیرستانهای نمازی و سلطانی) مشغول تحصیل بودم بمبارزات سیاسی که در آن سالها ملت ایران برای احقاق حقوق خود از نفت علیه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران باوج خود رسیده بود یعنی سالهای یکهزاروسیصدوبیست‌ونه و یکهزار و سیصد و سی پیوستم بعد از کودتای خائنانه امپریالیستی بیست‌وهشت مردادماه در تاریخ دهم اسفند ماه سال یکهزاروسیصدوسی‌دو بوسیله فرمانداری نظامی شیراز دستگیر و زندانی شدم و در بیدادگاههای نظامی شاه مخلوع (رئیس دادگاه بدوی نظامی سرهنگ عادلی و رئیس دادگاه تجدیدنظر سرهنگ پدرام) بدون هیچگونه گناهی بسبب اینکه حاضر نشدم در محضر بازرسی و دادگاه نسبت بشاه ابراز علاقه نمایم بزندان محکوم گردیدم برای تائید مراتب فوق دستور فرمایند به‌پرونده‌های سازمانهای امنیتی در شیراز مراجعه شود در طول زندان موفق بدریافت دیپلم کامل متوسطه گردیدم بعداز سپری‌شدن دوره محکومیت و آزادشدن از زندان همچنان با انواع تضیقات و محرومیت‌ها مواجه بودم بطوریکه از پذیرش اینجانب بدانشکده‌هائی که در مسابقات ورودی آنها موفق شده بودم جلوگیری میکردند تا اینکه بطور کاملاً غیرمترقبه و دور از چشم سازمانهای امنیتی بعد از چند سال سرگردانی وارد دانشکده کشاورزی شیراز شدم در دانشکده نیز مدام مورد پیگرد و تعقیب سازمان امنیت بودم بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه در سال یکهزار و سیصد و سی‌وهشت به‌بهانه‌های مختلف از استخدام اینجانب به‌رسمی در سازمانهای دولتی مخالفت بعمل میآوردند.

بعداً بطور پیمانی در شرکت سهامی کارخانجات قند استخدام گردیدم و با استفاده از قوانین و مقررات بعدی مصوبه برسمی تبدیل و بالاخره به‌بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی منتقل گردیدم. آقای احمد صارم اصلانی کارمند ساده در بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی بود بسبب ارتباط بسیار نزدیک با ساواک منحله بدستور منصور روحانی معدوم وزیر اسبق کشاورزی و عمران روستائی وقت بسمت قائم‌مقامی مدیریت عامل بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی منصوب گردید آقای احمد صارم اصلانی شوهر دختر آقای هاشمی یکی از مهره‌های مهم و قدرتمند ساواک منحله و از سرسپردگان معروف رژیم منفور پهلوی بود بطوریکه بعد از انتصاب سپهبد ناصر مقدم معدوم بریاست ساواک آقای هاشمی را بهمراه پرویز ثابتی و سی نفر دیگر از مهره‌های مهم ساواک جهت التیام و تخفیف غلیان افکار عمومی علیه ساواک بعنوان تصفیه از کار برکنار نمود و بطوریکه آگاهی دارید تا فردی کاملاً سرسپرده و وابسته بساواک نباشد نمی‌تواند داماد یکی از مهره‌های سرسپرده و مهم ساواک بشود علاوه بر این آقای احمد صارم اصلانی خبرچین و مأمور ساواک در هتل آریاشرایتون در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ بوده است جهت تأئید هرچه بیشتر وابستگی نامبرده بساواک منحله بعرض میرساند که آقای احمد صارم اصلانی در سال ۱۳۵۶ که برای انتخاب عاملین فروش تراکتورهای مسی فرگوسن به گرگان آمده بود و اینجانب ریاست بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی را در گرگان بعهده داشتم با وجودیکه مأموریت نامبرده هیچگونه ارتباطی با ساواک نداشت با رئیس ساواک گنبد آقای جهانگیری و رئیس ساواک گرگان کریم باصری‌نیا که اخیراً اعدام گردید ملاقات و با آنان چندین ساعت بمذاکره و تبادل‌نظر پرداخت در هر حال وابسته بودن آقای احمد صارم اصلانی قائم‌مقام مدیریت عامل بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی بساواک با توجه بمراتب فوق محرز و مسلم است.

بعد از انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ این شخص یعنی آقای احمد صارم اصلانی قائم‌مقام مدیریت عامل بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی نه تنها در پست و مقام خود ابقا گردید بلکه از بدو استقرار دولت انقلابی شروع به‌توطئه‌چینی و تحریک علیه انقلابیون بنگاه نمود و در پیشبرد هدفهای انقلاب مانع ایجاد میکرد باین ترتیب که رهبری و ارشاد کمیته‌ای که بنام کمیته همبستگی در بنگاه تشکیل گردیده بود بعهده گرفت و بوسیله این کمیته شروع بمبارزه با افراد پاک‌نیت و مؤمن بانقلاب و مبارز نمود آقای احمد صارم اصلانی توسط آقای مهدوی معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی تقویت و تائید میگردید.

آقای مهدوی معاون وزارت کشاورزی چند روز قبل بعلت وابسته بودن برژیم منفور پهلوی و قرابت با آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص شاه بازنشسته و از کار برکنار گردید.

آقای احمد صارم اصلانی مذکور از همان آغاز انقلاب سعی کرده است با ایجاد نارضایتی وسیع در بین کارکنان این سازمان زمینه مساعدی برای توقف مکانیزاسیون کشاورزی بوجود آورده و با تحریک و تلقین همبستگی بنگاه و تائید آقای مهدوی معاون وقت وزارت کشاورزی مدیر عامل جدید و اعضاء هیئت‌مدیره جدید بنگاه که بتازگی باین سمت‌ها انتخاب شده‌اند و هیچگونه شناسائی و آگاهی روی پرسنل بنگاه نداشته‌اند بطور غیرمستقیم وادار نماید که بیک سلسله نقل و انتقالاتی دست بزنند که نتیجه‌اش ایجاد نارضایتی در بین پرسنل و بالنتیجه رکود کارمکانیزاسیون کشاورزی میباشد اندک توجه به‌تغییرات و انتقالات جدید رؤسای واحدهای بنگاه بوضوع نشان میدهد که رؤسای و مدیرانی که از قدیم زیر چتر حمایتی آقای احمد صارم اصلانی بوده‌اند یا بطور کلی تعویض نشده‌اند و همچنان در پست‌های حساس خود ابقا گردیده‌اند و یا اگر جابجا شده‌اند بمحلهای مورد تقاضا و مطلوبشان اعزام گردیده‌اند و تنها رؤسای واحدهائیکه همیشه با آقای صارم اصلانی عضو وابسته بساواک بمخالفت و مبارزه برخاسته‌اند به‌بدترین محل‌های ممکن منتقل و یا تنزل شغل پیدا کرده‌اند از جمله اینجانب که سابقه فعالیت‌های سیاسی خود را قبلاً بطور مشروع باستحضار رساندم از ریاست بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی استان مازندران مرکز گرگان به‌کرمان منتقل نموده‌اند.

قبلاً نیز تصمیم داشتم مراتب را با آقای ایزدی وزیر کشاورزی و عمران روستائی مطرح نمایم و بسبب ضیق وقت ایشان و ارجاع موضوع به‌آقای منیعی معاون جدید وزارت کشاورزی و عمران روستائی جانشین آقای مهدوی مراتب مذکور مشروحاً باطلاع ایشان رسانیدم مستدعی است مقرر فرمایند.

مطالب مشروحه را دقیقاً بررسی و پی‌گیری و در صورت صحت اظهارات اینجانب تصمیمات لازم در جهت پیشبرد هدفهای انقلاب اتخاذ گردد و مانع از متلاشی شدن بنگاه و بالنتیجه توقف مکانیزاسیون کشاورزی و رکود در امر خودکفائی در کشاورزی گردند.

در پایان یک سئوال برای اینجانب مطرح است که چگونه فردی از قبیل آقای احمد صارم اصلانی وابسته بساواک و سرسپرده رژیم منحط پهلوی بایستی همچنان در مقام خود که بهیچوجه شایستگی آنرا ندارد و بناحق بوسیله منصور روحانی معدوم بنامبرده تعویض گردیده در دولت موقت جمهوری اسلامی ایران باقاء گردد لیکن مبارزان و مجاهدین و زندان کشیده‌های رژیم سابق همچنان نیز با تضیقات مواجه بوده و بصورت تبعید نه بعنوان جهاد سازندگی بمناطق دورافتاده فرستاده شوند.

حیدر محب تاش
رئیس بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی استان کرمان

مصاحبه غیرانقلابی دادستان انقلاب

شب گذشته (۳ر۶ر۵۸) ناظر مصاحبه تلویزیونی آقای آذری قمی دادستان انقلاب تهران بودیم. مصاحبه‌ائی که بجای برخورداری از قاطعیت انقلابی بر پایه بیان اصول و موازین انقلاب و رهنمودهای رونشنگر استوار باشد، سخنانی برای توجیه عمل غیراصولی ایشان و برخوردی دیپلماتیک بود. و ایجاد آنچنان جو دلسوزانه برای خود و سوءاستفاده از احساس پاک و صداقت توده‌های انقلابی.

در شرایط حساس کنونی که رهبر انقلاب همه نیروها و عناصر متعهد را دعوت به‌وحدت‌نظر و دوری از برخوردهای شخصی و گروهی و تنگ‌نظریها می‌کند، و در شرایطی که امپریالیسم و ایادی داخلیشان پیشبرد نقشه‌های شوم خویش را بر پایه ایجاد تفرقه بیشتر در بین نیروهای مبارز و اصیل اسلامی میداند، در چنین شرایط حساس آقای آذری قمی دادستان انقلاب تهران بجای وصل کردن، برای فصل کردن آمده‌اند و با گفتگو درباره مجاهدین و بدون در نظر گرفتن سالها مبارزه پیگیر و صادقانه آنان، اذهان توده‌ها را بر علیه‌آنان می‌شورانند و انقلابیون مجاهد را آنچنان معرفی می‌نمایند که گویا قصد ترور و ایجاد آشوب را دارند.

راستی ایشان از بیان چنین مسائلی جز تطهیر خودشان و توجیه حکم‌های بدون توضیح خویش، چه چیز دیگری را میخواستند ثابت کنند.!؟ و رادیو، تلویزیون در بخش اینگونه مصاحبه‌ها در جهت حل چه مساله‌ایست.!؟ اگرچه عملکرد رادیو، تلویزیون در این چندماه، بر کسی پوشیده نیست؛ که برنامه‌هایش در چه جهتی پیش میرود..

سالها مبارزه انقلابی و اصیل مجاهدین خود بهترین گواه و سند افتخار و دفاع آنهاست. اما این تذکار هم لازم است که دادستان انقلاب خود باید مظهر و نمونه رفتار و گفتار یک انسان انقلابی باشد، و بیان حق کند، اگر چه به‌نفع‌اش هم نباشد، و نه حق را رنگ‌آمیزی نماید، آنطور که آقای آذری قمی در مصاحبه مطبوعاتی خود از تلویزیون رنگی نمودند.

محسن. الف

بقیه از صفحه ۷

رنج مردم کردستان

بیشتری لازم دارد اما در این نوشته کوتاه اگر بخواهیم حوادث اخیر را ریشه‌یابی کنیم، در مرحله نخست اهمال کاریهای دولت موقت را باید در نظر گرفت و سپس ضعف‌ها را در دیگر مراکز تصمیم‌گیری انقلاب و عدم قاطعیت و برخوردی انقلابی به‌خواست‌ها و نیازهای مردم آن ناحیه. و اما احزاب و سازمان‌هایی که از صداقت و درستی برادران و خواهران کُرد سوءاستفاده می‌کنند، ماهیت این احزاب و رهبران آن اگر بر بسیاری از مسئولین آشکار باشد، در سطح توده مردم چنین نیست، افشاء ماهیت آنان، و روشن نمودن شعارهای مردم‌فریب ایشان از برنامه‌های فوری دولت و مسئولین باید باشد که همراه با اجرای سریع برنامه‌های انقلابی در جهت خواست‌های مردمی برادران و خواهران کرد می‌تواند آرامش را دوباره به‌منطقه بازگرداند و ایمان خلق مسلمان کرد را به‌انقلابی که خود در آن شرکت فعال داشته‌اند راسخ‌تر گرداند. که اگر این مسائل همچنان حاد و دشوارتر گردد، تنها نتیجه‌اش کشتار بیشتر خواهد بود، و در این میان تنها مردمند که قربانی سیاست‌های غلط خواهند شد و خون پاکشان، که همیشه برای آزادی در رگهای جامعه شریان داشته و قلب‌های آنان که همیشه برای ایران و اسلام طپیده، و سینه‌هایشان آماج گلوله‌های جباران شده، تا آزادی را در برابر تمام خون‌های از دست داده بازیابند. این‌بار به‌غلط قربانی رهبران خیانتکار احزابی خواهند شد که باصطلاح مردمی هستند. و قربانی سیاست‌های اصلاحی خواهند شد که دردی از خواست‌های انقلابی آنان دوا نخواهد کرد. و با بینش اصلاحی و رفرمهای بی‌نتیجه، و عده‌های انقلابی میدهند...

ـ الف

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

بقیه از صفحه ۱

اشغال ستاد جنبش ...

مقدمتاً عرض کنم که کلیه شعبات ما در اکناف و اطراف مملکت زیر فشار هستند. که عملاً فعالیتهای خارجی ما را بحداقل خودش تقلیل داده و در مرز تعطیل شدن قرار دارند. دفاتر ما در آبادان ـ اهواز ـ امامشهر اصفهان مورد تهاجم قرار گرفته و عده‌ای از خواهران و برادران ما مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و بعضی از این دفاتر اشغال و خلع‌سلاح شده‌اند. بدتر از همه اینکه یک‌سری اعلامیه‌های مجعول که تخلیه ساختمانهای جنبش مجاهدین را درج کرده و خواستار خارج شدن ساختمان از دست جنبش است پخش شده که بدنبال این اعلامیه‌ها افرادی ناآگاهانه براه افتادند. هجومهائی که به‌ساختمان مرکزی انجام شد بسیار جدی بوده و افراد ساواک بطور کاملاً سازمان یافته‌ای عمل میکنند و عامل تحریک هستند. و عکسهائی از آنها تهیه شده که در موقع لزوم افشاء خواهیم کرد و چهره‌های آنان آشنا و شناخته شده است.

باضافه عده‌ای با گرفتن اجرت به بلواها دامن‌زده و شایعه میکنند که اینان خوارج هستند و باید از ساختمان بیرونشان کرد. اما طرفداران ما با حمایتشان توانستند جلوی بسیاری از تهاجمها را بگیرند. این فشارها از دوشنبه قبل یعنی بیش از ۹ روز پیش روی ساختمان مرکزی ما متمرکز شد، تا اینکه ۳ روز پیش حکمی از دادستانی انقلاب تهران بما رسید که در اصل خطاب به‌گروه ضربت مستقر در زندان اوین بود که به‌موجب این حکم به‌آنان رسماً مأموریت داده که ستاد سازمان مجاهدین خلق که بدون کسب اجازه تحت‌تصرف و اختیار درآورده‌اند زیر نظر گرفته و کلیه سلاحها، جنگ‌افزارها، اسناد و مدارک و نشریات موجود را ضبط و ستاد مزبور را تحت حفاظت و نظارت درآورده و عاملان را در صورت مقاومت جلب و به‌این دادسرا اعزام کنند. این حکم به‌امضای دادستان دادسرای تهران بود. وقتی فشار گروههای معلوم‌الحال بالا رفت و بصورت حکم رسمی دادستان درآید، که طبیعتاً از نظر ما نه اصولی و نه منطقی و نه صحیح بود، که بخواهیم در مقابل چنین جریانی مقاومت و ایستادگی غیراصولی بکنیم، در تماس با مقامات دولتی در حضور نماینده آیت‌الله طالقانی ۴۸ ساعت برای مذاکره در مورد سرنوشت ساختمان فرصت خواستیم، بدنبال پذیرفته شدن این فرصت هیئتی از جانب جنبش مجاهدین خلق و بخش سیاسی سازمان مجاهدین خلق برای مذاکره با امام عازم قم شدند.

اکنون برادرانی که در این هیئت بودند شرح جریان را میگویند.

بطور کلی ما از طرف جنبش با این دیدگاه عازم قم شدیم، که اگر فعالیتهای جنبش، فعالیتهای سیاسی جنبش مجاهدین از نظر امام به‌صلاح و مصلحت جامعه تشخیص داده نمیشود، ما این دفاتر را در سراسر کشور تعطیل کنیم، این هیئت با منسوبین امام از نزدیک تماس گرفت و آنان امام را در جریان مسائل قرار دادند، در مورد اعلامیه‌هائیکه بطور مجعول از جانب دفتر امام و یا شخص ایشان منتشر شده بود، امام حقیقت، داشتن آنها را رد کردند، و در مورد تهاجمها که عده‌ای مدعی‌اند که بزبان امام هست سؤال شد ایشان، گفتند نه و صریحاً تکذیب کردند، ما استدعا کردیم که با شرف‌یابی خدمت امام مسئله روشن شود و تکلیف ما معلوم گردد، سؤال این بود، آیا دفاترمان را تعطیل کنیم؟ آیا از ساختمان محل استقرار فعلی جنبش در تهران خارج شویم یا خیر؟ آیا اصولاً حق فعالیت آزاد سیاسی را داریم یا خیر؟ ایشان جواب دادند که فعلاً در ساختمان مرکزی باقی مانده و فعالیت سیاسی شما مانعی ندارد. بر حسب فرمان ایشان ساختمان را تخلیه نکردیم و در بازگشت به‌تهران باخبر شدیم که رسیدگی به‌مشکل ما را آقای بازرگان به‌وزارت دادگستری محول کرده‌اند، این وزارتخانه با ارسال حکمی یک هفته بما مهلت میدهد و نماینده تام‌الاختیار ما را برای تعیین تکلیف قطعی فرا میخواند.

در پاسخ چه خواهیم کرد، باید بگویم که هر لحظه امام و دولت بخواهند مراکز استقرار خود را تخلیه میکنیم و به‌فعالیت خود خاتمه میدهیم، این ساختمان متعلق به‌بنیاد علوی بوده و میتوانیم با پرداخت مال‌الاجاره بفعالیت خود در اینجا ادامه دهیم، در غیراینصورت تلاش میکنیم و از حامیان و طرفدارانمان میخواهیم که با کمک مالی امکان محل جدیدی را برای فعالیت جنبش ملی مجاهدین فراهم کنند. در مورد کلیه وسایل و اموالی که در اینجا هست، و شایعات و غرض‌ورزیهای خیلی زیادی وجود دارد، توضیح میدهم که از مدتها پیش کلیه حسابهای اموال منقول و غیرمنقول را در رابطه با سرپرستی بنیاد علوی روشن

بقیه در ستون پنجم

بقیه از صفحه ۱

رنج مردم کردستان

تأمین میشود مردم در همین چشمه‌ها لباسها، ظروف و... خود را میشویند. و همین امر یکی از عوامل اصلی امراض مختلف اهالی ده می‌باشد. بیشتر کارهای ده بعهده زنان میباشد و مردان کار خاصی را بعهده ندارند و فقط پاسداری ده را بعهده داشتند؟!!

اهالی ده پس از دعوت به ناهار، ما را برای رسیدگی به وضع مریضی به یک خانه که بیشتر به یک دخمه تنگ‌وتاریک شبیه بود بردند. امّا دخمه با وجود نور آفتاب آنقدر تاریک بود که ما مریض را بخوبی نمی‌دیدیم، از آنان خواستیم که بیمار را به بیرون انتقال دهند تا بتوانیم مریض را در پرتو نور آفتاب ببینیم. پس از معاینه مریض ما متوجه شدیم که یکماه قبل پس از «وضع حمل» بمرضی دچار شده که بعلت دسترسی نداشتن بدکتر مرض مزمن شده و علاج آن بسیار مشکل است. در همان دخمه که مریض بستری بود اهالی خانه با تنوری که تولید دود و حرارت فراوانی می‌کرد مشغول پختن نان بودند.

غذای معمول آنان بیشتر، نان و ماست و گوجه‌فرنگی جوشیده بود مردم شاید ماهها گوشت بخود نمی‌دیدند.

پس از رسیدگی چند روزه، اهالی ده از یکی از برادران کُرد خواستم که ما را به یکی از دورترین نقاط دهات شهر ببرد پس از گذر از جاده‌های کوهستانی قاطررو و بسیار مشکل که حتی برای گذر از آن مجبور می‌شدیم بعضی از نقاط جاده را صاف کنیم به یکی از دورافتاده‌ترین دهات شهر رسیدیم، نکته جالب‌توجه‌ای که در این دهات دور افتاده غریب بنظر میرسد «ستاد حزب دمکرات» بود که مدرسه ده را اشغال و در آن مستقر شده بود پس از ورود به مسجد ده، از اهالی خواستم که برای رسیدگی به امور بهداشتی به مسجد رجوع کنند، هنگامی که ما مشغول رسیدگی به بیماران بودیم که گروهی از چریکهای فدائی خلق (بگفته اهالی خود محل) مقابل ما ایستاده و پس از شلیک چند تیر هوائی بقصد زهرچشم‌گرفتن از گروه بهداشتی، بزبان فارسی گفتند «آقای دکتر، قرص خودمختاری بمریضها بدهید اینها با این چیزها گول نمی‌خورند» سپس بزبان کردی یکی از آنها (اکثریت آنها به زبان کردی مسلط نبودند) بمردم گفت: «این داروهائی که بین شما پخش می‌کنند فاسد شده و تاریخ گذشته می‌باشد و می‌خواهند شما را گول بزنند» با همین چند کلمه حرف، مردم به هیجان درآمدند و هر کس چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت بساط‌تان را جمع کنید، دیگری با لگد قرصها را بهم ریخت و... مردم کم‌کم از دور ما پراکنده شدند، برادر کُردی که همراه ما بود بزبان کُردی به گروه مقابل (چریکهای فدائی) گفت «مگر نمی‌گوئید که این داروها فاسد است، چرا خود تابحال اقدام به آوردن دوا برای اهالی ده نکردید؟ شمائی که خود را طرفدار خلق می‌دانید؟!! چرا تابحال بمردم رسیدگی نکرده‌اید؟ پس از این گفت‌وگو، گروه فوق محل را ترک کرد و برادر کُرد راجع به نقش نفاق‌افکنانه آنان بیشتر توضیح داد. مردم پس از استماع این گفتگو دوباره به گرد ما جمع شدند. از یکی از اهالی ده پرسیدیم، برادر فعالیتهای آنان تابحال در این ده چه بوده؟ گفت: فقط برایمان صحبت می‌کنند!!

جالب‌توجه است که گروه فوق‌الذکر لباسهای کردی بتن داشتن و چهره‌های آنان بخوبی بیانگر بومی نبودن آنها بود. ملای ده گفت اینها بعضی اوقات در مسجد نماز می‌خوانند؟!

فعالیتهای ما در دهات و کمک به اهالی ده چهره حرّافان و شعار دهندگان را هرچه بیشتر رو می‌کرد چرا که در این مدت آنان کار اساسی برای اهالی ده انجام نداده بودند. بدین منظور سعی می‌کردند با سمپاشی و تهدید ما را از برادران کرد بترسانند تا شاید از تماس ما با اهالی جلوگیری کنند. اما علیرغم سمپاشی‌های «دمکرات» و «چپ‌نماها» این منطقه مردمی بسیار مهربان و میهن‌دوست داشت و بخوبی ما را تحویل می‌گرفتند. در طول مدتی که ما در کردستان بودیم، در جریان خواسته‌های مردم کرد قرار گرفتیم.

از خواسته‌های خواهران و برادران کرد از جمله خودمختاری در اولین مرحله و سپس مسائل رفاهی چون جاده‌سازی، بهداشت، آب، برق، حمام و ایجاد شرکت تعاونی می‌باشد.

هرگونه اجحاف تبعیض و حق‌کشی و... که در ۵۰ سال اختناق توسط رژیم سابق و عمال آنان به‌خواهران و برادران رفته، نقش ژاندارمها و گهگاهی ارتش را نباید نادیده گرفت. ژاندارمها که خود تحت ستم حکومت سابق قرار داشتند و فشار اقتصادی فرهنگی فاسد، شدیداً بر آنان حاکم بود بالاجبار برای تأمین جانی از طرف رژیم و زندگی اقتصادی تن به‌فجیع‌ترین اعمال، از قبیل حمله به‌مردم در صورت احساس خطر از طرف آنان ـ گرفتن باجهای ناجوانمردانه از روستائیان فقیر و یا درخواست گاو و گوسفند و لبنیات و... (یعنی سرمایه روستائیان)، و تجاوز به‌ناموس آنان، و... همگی باعث میشد که مردم کُرد انزجار شدید خود را نسبت به‌رژیم سابق در درون خود محفوظ دارند. هر چند که گهگاهی این نفرت بصورت عصیانهائی در منطقه بروز می‌کرد و منجر به‌اعدام چند تن از سران آنان میشد امّا این عصیانها نه میتوانست اساسی باشد و نه خشم چندین ساله آنان را فرو نشاند. حال پس از گذشت سالها اختناق و فقر و عبور از یک مرحله انقلاب یعنی شکست رژیم سابق بود که منجر به‌آزاد شدن خلق کرد از زاندارمهای متجاوز شاه، و از طرف دیگر کنترل موقتی شهر بدست خویش گردید، و بخاطر ظلم و ستمی که از طرف نیروهای دولتی بر آنان تحمیل شده بود دیگربار حاضر نیستند که این نیروها در کردستان مستقر شوند و بطور کلی همگی بقدری از نام ژاندارم و ارتش و دولت متنفرند که اگر ماهیت این نیروها را حتی بنفع آنان تغییر داده شود شاید برای آنان باورکردنی نباشد، که ارتش یا ژاندارمری یا دولت می‌تواند حامی آنان باشد از این‌رو به‌شدیدترین وجه می‌خواهند از نفوذ عناصر یا سازمانهای دولتی جلوگیری کنند و این بدبینی‌ها توسط سمپاشی‌های رهبران دمکرات و چپ‌نما آنقدر اوج گرفته که حتی آنان به‌افرادی که صادقانه خودرا از طریق جهاد سازندگی در اختیار خلق کرد، برای رونق روستاها و رسیدگی به‌وضع زندگی آنان قرار داده‌اند با دید مشکوک می‌نگرند.

البته این‌گونه شایعه پراکنی‌ها نه تنها از طرف رهبران حزب دمکرات و گروه‌های فعال چپ‌نما انجام می‌گیرد، بلکه اویسی‌ها، پالیزبانها و... که زمینه را برای فعالیت‌های ضد انقلابی مساعد می‌بینند، مسلماً ساکت نمی‌نشینند. قابل توجه است که یکی از اهالی ده میگفت، چند روز پیش، چند نفر بده آمدند و از ما میخواستند تا با آنها همکاری کنیم و حاضر بودند تا ۵ هزار تومان در ماه هم بما حقوق بدهند.!

راستی چه کسانی زمینه‌های عینی این فعالیت‌های ضد خلقی را بوجود می‌آورند، تا عناصر فرصت‌طلب، و مرتجعین ضد انقلابی میدان را برای فعالیت خویش بازبینند. از دشمن نباید انتظار لطف و مرحمت داشت، کار دشمنان انقلاب، حرکت ضد انقلابی است، پس باید علل‌ها را با ریشه‌یابی دقیق‌تر جستجو کرد. با در نظر گرفتن تاریخچه برادران و خواهران کُرد، و ستم و تجاوزی که سالهای، سال به‌حقوق آنان شده است، اگر در همان اوان انقلاب به‌خواست‌های آنان که در کلیت خواست‌های اقتصادی و آزادی بود، توجه بیشتر می‌شد و دولت به‌هشدارهای نیروهای مترقی و انقلابی بی‌اعتنا نمی‌بود، و برنامه‌های اقتصادی را با اهمیت مناطق و در نظر گرفتن میزان محرومیت‌های آنان اجرا می‌کرد، شاید بسیاری از این مسائل حل شده بود، و ضد انقلاب میدانی برای تاخت‌وتاز نمی‌یافت. سهل‌انگاری دولت کار را به‌اینجا کشید که برادران و خواهران باسدار با صداقت روز و شب خود را در درگیریهای سخت بگذرانند و جان برکف در مقابل هرگونه توطئه‌های ضد انقلاب مقاومت کنند و یا در برابر برادران کرد قرار گیرند در حالیکه می‌توانند همراه دیگر برادران کُرد با مقاومت دلیرانه علیه توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در یک سنگر به‌مبارزه ادامه میدهند. و البته برادران کُرد که کمتر خواسته‌های به‌حق خویش را برآورده می‌بینند و از نظر اقتصادی و سیاسی تحولی در زندگی فردی و اجتماعی خویش احساس نمی‌کنند، عملاً بدامن همان احزاب و سازمانهائی قرار می‌گیرند که تنها با شعار «خودمختاری» می‌توانند آنان را جذب کنند.

دولت می‌بایست موضع خودرا در رابطه با حق تعیین سرنوشت، درست و منطقی و در چهارچوب قوانین اسلامی که با احترام به‌فرهنگ و آداب و سنن اقوام، همه انسانها را برابر و برادر می‌داند و محک را تقوا قرار میدهد، روشن و سریع بیان کند. تا میدان برای نیروهای فریب دهنده که تنها شعار میدهند و محتوائی ندارند، باز نباشد. و با سهل‌انگاری دادگاههای انقلاب و عدم قاطعیت کافی، کردستان را محل امنی برای توطئه‌گران و فراریان وابسته به‌رژیم گذشته شده است که آنجا را منطقه خوبی برای فعالیت‌های ضد انقلابی خویش ارزیابی می‌کنند و براحتی در همان احزاب و سازمانهای مردم‌فریب جا می‌گیرند، زیرا این احزاب اصولاً از ضوابط روشنی برای عضوگیری برخوردار نیستند و به‌آسانی شناخته یا ناشناخته این فراریان ضد انقلابی را در زیر چتر سازمانی خویش می‌گیرند. بررسی آنچه که در کردستان میگذرد با درنظر گرفتن سیر تاریخی و گذشته مبارزاتی مردم دلیر آن بحث

بقیه در صفحه ۶

تثبیت سرمایه‌داری وابسته

گزارش زیر توسط یکی از برادران برای «هفته‌نامه امت» ارسال شده است

کارخانه‌کشت‌وصنعت‌شمال در ۱۵ کیلومتری جاده ساری ـ بهشهر واقع شده و حدود ۷۵۰ کارگر دارد و سهامداران عمده آن عبارتند از:

الف ـ حسین علاقبند (مشهور به‌سلطان پنبه ایران) ب ـ یوسف خوش‌کیش (فعلاً زندانی است) و پسرش بهروز خوش‌کیش که هرسه از جمله ظالم‌ترین و غارتگرترین سرمایه‌داران وابسته به‌امپریالیسم و دربار بوده و هستند.

فراماسونها، ستون پنجم امپریالیسم درایران

در روزنامه شماره ۱۵۸۵۸ مورخ ۱۳۵۸/۲/۳۰ اطلاعات مطالبی افترآمیز علیه مسئولان کمیته انقلاب اسلامی مستقر درخیابان فرانسه عنوان شده بود که مبادرت به پاسخگویی میشود مقرر فرمائید طبق قانون مطبوعات در همان صفحه و درهمان ستون و به همان قطع و اندازه درج و بنظر عامه مردم گذارده شود.

الف ـ عنوان اینکه یکی از مسئولین کمیته حدود ۲۰۰۰ هکتار از اراضی ملی شده را بتصرف درآورده، کذب محض است. از مسئولین مراتع و جنگلهائی تقاضا میشود نسبت به صحت و سقم این قضیه رسیدگی و اظهارنظر فرمایند.

ب ـ اتهام ذیل به آقای حسین علاقبند وارد است و دلایل آن موجود میباشد.

۱ ـ نامبرده فراماسون بوده و عضو لژ فارابی میباشد. مدرک کتاب اسماعیل‌رائین صفحه ۶۶۴ و روزنامه کیهان شماره ۱۰۶۴۸ بتاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۸ توضیح اینکه فراماسونها به گواهی تاریخ، ستون پنجم امپریالیسم در ایران را تشکیل میدهند.

۲ ـ اقدامات انجام شده از طرف کمیته انقلاب اسلامی مستقر در خیابان فرانسه به دستور دادستان محترم انقلاب و کمیته مرکزی منطقه ۹ بوده است. فتوکپی دستور حلب آقای حسین و وحید علاقبند و بهروز خوش‌کیش و دستور رسیدگی به حسابها پیوست است.

۳ ـ آقای حسین علاقبند با حکومت طاغوتی سابق و شاه دربدر، درارتباط بوده (فتوکپی کارت سفید دربار به‌پیوست است).

۴ ـ همکاری حسین علاقبند با ساواک محرز و مسلم است توضیح اینکه بدستور مذکور در فتوکپی تقدیمی از حمله هویدا ـ آموزگار ـ نصیری ـ ثابتی ـ والاگهرها! اعضاء لژهای مختلف فراماسون از حمله ریچارد هلمز رئیس اسبق سیای آمریکا و سفیر آمریکا در ایران در مجلس عروسی شش میلیون تومان خرج عیاشی و عروسی آقازاده علاقبند گردیده که محله جوانان شرح مبسوطی در این زمینه درج‌کرده است.

۵ ـ آقای حسین علاقبند با همکاری فراماسونهای ایران موفق شده است در قبال زمینهای دیمی و بی‌ارزش با دوبار رهن ـ گذاردن زمینهای فوق فقط مبلغ نهصد ـ میلیون ریال از بانک توسعه صنعتی وام بگیرد و دهها میلیون تومان وام از بانک ملی با تبانی آقای یوسف خوش‌کیش عضو فرا... دریافت دارد.

آقای حسین علاقبند که هم‌اکنون در خارج از ایران بسر میبرد و متواری است. برای فرار از مالیات، شرکت‌های جدیدی را تأسیس نموده است.

۶ ـ آقای حسین علاقبند ارزهای بازرگانی را در بازار آزاد فروخته و یا این ارزها را در بانکهای خارجی نظیر کردی‌لیونه پاریس و انگلیس سپرده است مدرک در دفاتر بازرگانی شرکت پنبه مرکزی بوده که هرگز با توجه به تذکرات کمیته به مسئولین ارائه نگردیده است.

تمام مطالب فوق مستند است و علاقمندان میتوانند با مراجعه به کمیته انقلاب اسلامی مستقر در خیابان فرانسه از مستندات فتوکپی بگیرند تا معلوم شود چه‌کسی خائن به مملکت است و چه کسی راست میگوید تا مشت دروغگو و مفتری باز شود.

ما تا تعقیب نهائی از پای نخواهیم نشست و اینگونه اراجیف در اراده خلل‌ناپذیر ملت ایران اثر نخواهد گذاشت.

سرپرست پاسداران انقلاب اسلامی مستقر درخیابان فرانسه ـ بهروز صالحی

توضیح: سرپرست پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در خیابان فرانسه ۳۶ برگ مدرک، همراه‌نامه خود به روزنامه فرستاده است. پس از انقلاب هم شیوه‌های غارتگری و استثمار و زورگوئی را ادامه داده و در برابر کارگران سیاست و خشونت و ارعاب درپیش میگیرند بهرام فریدونی مدیر اداری کارخانه و پسرخاله علاقبند با آلت دست قراردادن عده‌ای از کارگران ناآگاه آنان را علیه اکثریت عظیم کارگران بسیج میکند و درنتیجه عده‌زیادی از برادران کارگر به ضرب چماق و چوب و چاقو مضروب و مسدوم میشوند. بدنبال این ماجرا کارخانه تعطیل میگردد و کارگران بدادسرای انقلاب اسلامی ساری شکایت میبرند. بهرام فریدونی بمدت دوساعت بازداشت و سپس از کارخانه اخراج میگردد و کارگرها مجدداً" مشغول کار می‌شوند. حکم بازداشت وی توسط ابوذر وردا سبی بازپرس دادگاه انقلاب ساری صادر شده است و در این جریانات استانداری کوچکترین دخالتی نداشته است اما وحید ـ علاقبند (پسرحسین علاقبند) مدیرکشت ـ وصنعت و شرکتهای تابعه که خود متهم است (حکم جلبش از طرف هادوی صادر شده ولی اجرا نشده!) از آقای وردا سبی بدفتر امام، نخست‌وزیری، وزارت کشور و... شکایت میکند. متن شکایت می‌آید.

اشغال ستاد....

مسئول گذرانده‌ایم، و حاضریم در مقابل هر دینار حساب پس بدهیم و این وظیفه‌ای انقلابی است و از مقامات مسئول دعوت میکنیم که برای بررسی و کنترل و صورت‌برداری اموال و اجناس موجود به‌اینجا بیایند.

ما کاملاً آماده‌ایم که هر مسئله‌ای را بطور قانونی و رسمی حمل کنیم و از پیش هر نوع اقدام ماجراجویانه و حادثه‌سازی را در مورد مقرهای جنبش ملی مجاهدین محکوم میکنیم. مصراً نسبت بدستگیری عناصر مشکوک از مقامات مسئول مسئولیت می‌طلبیم، که اگر در دستگیری عناصر مشکوکی که مستمراً بما حمله میکنند قاطعیت نداشته باشند حوادث ناگواری از این حادثه‌جویها و ماجراجویها بوجود میایند. یادآور میشویم که ما واقعاً بر پایه وظایف انقلابی و اسلامی خودمان تابحال برخورد متین و آرام و همراه با بردباری داشته‌ایم، و طرفداران و حامیان جنبش که برای حمایت ما آمده‌اند با برخورد صبورانه سهم بسزائی در بوجود نیامدن حوادث ناگوار داشتند. در پایان این مصاحبه عده‌ای از خبرنگاران مطبوعات سؤالاتی کردند که پاسخهای آنان داده شد.

با خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

امام خمینی:

ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه پیدا شده است

بمناسبت عید فطر، امام خمینی پیامی خطاب بملّت ایران فرستادند. در پیام آمده است که:

... اینهائی که اظهار اسلام می‌کنند، لیکن در بلاد ایران حرمتهای ما را به‌آتش میکشند، مردم ما را در اطراف می‌کشند، جوانهای ما را در اطراف می‌کشند. در کردستان عزیز آنقدر از جوانهای ما و از خود کردها کشته و میکشند و در عین حال می‌گویند ما مسلم هستیم. نمیتوان باور کرد. قرآن میفرماید که شماها منافق هستید که شماها مسلم نیستید، شماها که قولتان غیر عملتان است و حرفتان غیر واقعیات است، شما مسلم نیستید، بلکه منافقید شما می‌خواهید مردم را گول بزنید، شماهائی که الان در کردستان، دست به‌خرابی زدید و معذالک میگوئید سنی هستیم و اهل سنت هستید... و ما با آنان عمل خواهیم کرد آن‌طور که با غیر مسلمین عمل می‌کنیم، با آنها مثل منافقین عمل می‌کنیم و آنان را سرکوب می‌کنیم. ما تاکنون برای اینکه بمردم عالم بفهمانیم و مردم بفهمند که با چه اشخاصی روبرو هستیم، آزادی دادیم، آن‌هم آزادی مطلق که در ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه پیدا شد و مطبوعات و مجلات و روزنامه‌های زیادی منتشر شد و هیچکس جلوگیری نکرد، در عین حال که شما به‌همه مقدسات ما توهین کردید و در عین اینکه با حکومت آنطور رفتار کردید و با اسلام آن‌گونه رفتار نمودید، معذالک بشما تعرض نشد تا اینکه فتنه را دیدیم و فهمیدیم شما فتنه‌گر هستید، شما منافقین هستید.

... اگر چنانچه اینان دست از شیطنت برندارند بسیجی فوق این بسیج که انجام گرفت انجام میدهم و شما را پاکسازی می‌کنم، باید هوشیار باشید، باید ملت ما مهیّا باشند، نگذارند که این جرثمه‌های فساد دوباره مملکت ما را بحال اوّل برگردانند و رژیم شاهنشاهی یا بدتر از آنرا بر ما مسلط کنند... من امیدوارم که بتوانیم پرچم جمهوری اسلام را در همه جای دنیا برپا کنیم و اسلام که حق است، همه از آن تبعیت کنند. این نکته را باید تذکر بدهم. ما که گفتیم حزبی بنام حزب مستضعفین در همه جای دنیا تشکیل شود، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی هم که در ایران است نباشد، حزبهای منطقه‌ای بجای خود و حزب تمام مناطق در جای خود می‌باشد. اگر انشاءالله مسلمین موفق بشوند و یک چنین حزبی که حزب مستضعفین است برای همه‌جا تأسیس کنند بسیار بجاست، لاکن معنای آن این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. در منطقه‌ها احزاب هستند البته مادامی که توطئه معلوم نشده است.

آیت‌اله طالقانی:

سرمایه‌دارها باید بروند دنبال کارشان

روز جمعه ۵۸/۶/۲، بیش از صدها هزارتن از خواهران و برادران ما با پیاده‌شدن اولین نماز عید فطر بعد از انقلاب، هر چه بیشتر صفوف و همبستگی خود را به‌جهانیان نشان دادند. در دانشگاه تهران، حضرت آیت‌الله طالقانی در دو خطبهٔ خود ضمن تجزیه و تحلیل مسائل روز چنین فرمودند:

... این برنامهٔ علی است، برنامه انقلابی علی است. بهم ریختن آن نظامات فاسد و فاصله‌ها و در آمدن شخصیت‌های منتهد و از میان رفتن و بسرکنارشدن نخاله‌های خودخواه و خودپرست و فرصت‌جو و بعد یک ترکیب اجتماعی نو، اجتماعی انقلابی، اجتماع پیشرو. آیا این کلمات برای همان روز علی بود یا امروز هم ما دچاریم؟ اگر این مسیر انقلاب، در این انقلاب اسلامی ما این مسیر علی و این برنامه علی پیش نرود، باید بطور یقین بدانیم که بجای اوّل برخواهیم گشت، بعد میفرماید: حتی آنقدر باید زیرورو بشوید که آن پائینی‌ها آن پائین شهری‌ها، آن محرومها، آنهایی که زیر پا مانده‌اند، آنهایی که نفس ندارند، ناله‌شان بگوش کسی نمی‌رسید، آنها بالا بیایند و آن خودخواه‌هائیکه بر گردهٔ مردم سوارند، آنها باید به‌تیغ کشیده بشوند. زیربایی‌ها، نادیده گرفته‌ها، محرومین، مستضعفین، بالا بیایند مستکبرین، خودخواه‌ها، سرمایه‌دارها، غارتگرها باید بروند دنبال کارشان، گرچه طلحه و زبیر باشند، گرچه خویش، نزدیک پیامبر باشند باید بروند کنار. از این انقلابی‌تر، شما هیچ خطابه‌ای یا هیچ رهبری را در دنیا شنیده‌اید یا دیده‌اید؟... اگر این انقلابی که علی آنروز گفت، امروز هم صدایش بگوش همهٔ مسلمانها و بگوش شما می‌رسید، اگر تداوم پیدا نکند، هر کاری، هر اندیشه‌ای، هر تدوین قانونی کم‌اثر و یا بی‌اثر خواهد بود، مگر ما در مشروطیت قانون اساسی هفتاد و خورده‌ای سال پیش ننوشتیم، چقدر مترقی بود، غیر از چند قسمتش همهٔ مسائل زنده، ولی چه شد؟ برای اینکه همان‌قدر که قانون اساسی تدوین شد تودهٔ انقلابی مردم خیال کردند که کار تمام شد رفتند دنبال زندگیشان، دوباره همان‌هائیکه اشرافی‌های دربار محمدعلیشاهی و قاجاریه بودند و اشراف و طبقات آمدند توی مجلس، بعد هم از وسط اینها رضاخان آمد. اگر انقلاب تداوم نیابد، هر اندیشه‌ای، هرکاری ما بکنیم، علاج ارتجاع برگشت به‌وضع جاهلیت که علی اعلام خطر کرده، چاره‌اندیش نیست، چاره نمی‌کند. من نمی‌خواهم نفی بکنم باید قانون اساسی نوشته بشود، تدوین بشود. ولی باید هشیار باشیم، این قانون اساسی مسئله‌ای است و اصولی است، مجری‌اش کیست؟ شما مردم، شما مردم کی میتوانید یک قدرت اجرائی قوی باشید که این اصول آزادی‌بخش را بتوانید پیاده بکنید؟ وقتی انقلابی باشید.

... ولی متأسفانه در اواخر این ماه پربرکت، ماه مبارک، ماه روزه، ماه تقوا، ماه توجه بخدا وماه همبستگی قلوب و وجدانهای مسلمانان، یکمده جانی این برکت را این خبر را آلوده کردند. افرادی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند. تازه اسم خودشان را هم دمکرات میگذارند. دمکراتی که مردم را به‌گلوله به‌بندد مردم مظلوم، مردم بیچاره، مردم بیطرف، پاسداران، بیماران... مگر بارها اعلام نشده شما برادران کُرد هر پیشنهادی دارید هر مسئله‌ای دارید بیآئید مطرح کنید، رسیدگی بشود. آنقدری که در امکان هست برایتان انجام داده خواهد شد. چه میخواهند اینها؟! اگر می‌خواهند تجزیه کنند کردستان را در دامن چه کسی می‌خواهند قرار گیرند بهتر از دامن اسلام و رهبرهای اسلامی و مردم مسلمان. که من به‌یقین می‌دانم که چنین اندیشه‌ای در مردم و تودهٔ کردستان نیست که بارها هم اعلام کرده‌ام. جز خودخواهی، جز جاه‌طلبی، جز بلندپروازی مثل همهٔ حزب‌بازیها که همه را جمع بکنند و شعاری بدهند و کلاه دیگران پس سر که باشد. من نمی‌دانم ما چرا باید پیش از اینکه ارتش دخالت بکند از برادران کردمان انتظار داشتیم که خود آنها، این آتش را خاموش بکنند، چرا نمی‌کنند؟

... زنان ما احتیاج به‌قیم ندارند. زنانی که حق‌شان پایمال شده مگر خودشان نمی‌توانند حرفشان را بزنند؟ کارگران حقشان به‌توجه؟ تو که دستت بینه نزده، نشستی فقط شعار میدهی. جوانان مسلمان ما هستند که تو این آفتاب با زبان روزه در میان مزارع دارند کار می‌کنند. آنجا نشستی فقط شعار دادن ... کسی که روبروی انقلاب بایستد باید هلاک بشود، نابود بشود... انقلاب، انقلاب محرومین است. انقلاب، انقلاب توده مسلمان است. انقلاب، انقلاب پیروان قرآن است. انقلاب، انقلاب پیروان توحید است، هرکس از این مسیر منحرف شد برود پایمال بشود... من به‌همه برادرانم به‌برادران ارتشی و پاسدار و کسانی که اعزام شده‌اند بطرف کردستان، همان توصیه‌ای که دیشب امام فرمود این رهبر با بینش عالیقدر ما، این توصیه را همه ما باید بکنیم که فقط کسانی که معترض جان و ناموس و حیثیت مردم شده‌اند آنها باید معدوم بشوند، اما آنهایی که فریب خورده‌اند، رحمت خدا، همان‌طوریکه علی می‌فرمود بالای سر آنها هست و ما مسلمانها و همه مسلمانها از آنها خواهیم گذشت.

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز بنام خدا

در شرایط حساس کنونی که وحدت عمل و تفاهم متقابل همه نیروهای پیشرو و مبارز مسلمان جهت رویاروئی مشترک با توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب ضرورت اساسی دارد، و در حالیکه رهبر انقلاب امام خمینی وحدت عمل در برابر دشمن مشترک، بمنظور پاسداری از دستاوردهای انقلاب را مصرانه تاکید میکنند، تحت‌فشار گذاشتن نیروها و عناصری که در چهارچوب انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی حرکت میکنند قابل توجیه نیست. در موقعیتی که طرحهای پیچیدهٔ امپریالیسم برای دامن زدن به‌اختلافات و جنگلهای داخلی به‌نتایج موردنظرش نزدیک شده است و عملکرد ضعیف و غیرانقلابی دولت لیبرال موقت انقلاب در برخورد با مسایل حاد کشور و انقلاب فرصت خوبی به‌ضد انقلاب داده و در شرایطی که عناصر و قشرهای مرتجع در کادرهای اجرائی و تصمیم‌گیری و نهادهای توده‌ای فرصت موضع‌گیری قاطع در برابر ضدانقلاب و تحقق هدفهای خلق و رهبری در تصفیه کشور از عناصر نامطلوب نمی‌دهد، وحدت عمل و تفاهم و همکاری نزدیکتر همهٔ مبارزین اصیل مسلمان از روحانی و دانشجو، کارگر، دهقان و ... در هر سازمان و گروه و حزبی که هستند ضرورت حیاتی دارد.

با توجه بهمین ضرورت بود که امام خمینی مسئولین امور را از فشار به‌سازمانهای اسلامی و از جمله سازمان مجاهدین خلق برحذر داشتند.

بیانات روشنگر حضرت آیت‌الله طالقانی هم در اینباره نیز حجت را بر همه کس تمام کرده است این نوع اقدامات و تضیقات علیه سازمانهای اسلامی و آنها که سهم مؤثری در تکوین و رشد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند با مصالح انقلاب و ضرورتهای وحدت سازگاری ندارد که بعکس مستقیماً به‌سود دشمنان خلق است.

ما مبارزات برادران مجاهد خود را در راه تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی و مبارزه با تهدیدهای امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران و تلاش در راه برقراری جامعهٔ توحیدی ارج نهاده یکبار دیگر دعوت خود را برای وحدت عمل همهٔ نیروها و سازمانهای مبارز مسلمان علیه دشمنان مشترک استعمار، استبداد و استثمار و تحقق هدفهای انقلاب به‌رهبری امام خمینی تکرار و مورد تاکید قرار میدهیم.

جنبش مسلمانان مبارز

۱۳۵۸/۶/۲

گزارش روز قدس در کراچی

گزارش روز قدس در کراچی

بنابرگزارش برادرهوادارجنبش‌مسلمانان مبارز از کراچی، در روز قدس دانشجویان ایرانی همراه دانشجویان فلسطینی ودیگر خواهران‌وبرادران‌دریک‌تظاهرات‌چشم‌گیر شرکت کرده‌اند. که درجلوی سفارت امریکا قطعنامه تظاهرات درتأیید اعلام‌روزقدس از جانب امام خمینی و تحلیل از ایشان‌و محکوم نمودن صهیونیسم و امپریالیسم و پشتیبانی قاطع از سازمان آزادیبخش فلسطین و افشاء طرح خیانتکارانه سادات و بگین قرائت شد.

در این تظاهرات قطعنامه را در سطح شهر پخش کردند. و شعارها به چهارزبان داده میشد، اردو ـ فارسی ـ انگلیسی ـ عربی که همراه دردست‌داشتن پلاکارت‌ها جلوه خاصی بر تظاهرات بخشیده بود.

اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز

در شرایط حساس و بحرانی فعلی که انقلاب ایران از هرسو مورد تعرض سیاسی و نظامی و توطئه‌های خائنانه‌عناصرضد ـ انقلاب و وابسته به امپریالیسم قرار گرفته است.

ترور حاج مهدی عراقی مبارز قدیمی و فرزند جوان ایشان از روی یک‌طرح حساب شده ضد انقلابی صورت گرفته و بطورقطع جز در خدمت منافع دشمنان خلق و انقلاب نبوده و نیست.

ماضمن‌تجلیل‌ازمبارزات‌شهید‌مهدی ـ عراقی که نقش مؤثری در رشد نهضت ـ اسلامی داشت‌عمل تروریستها را به‌شدت محکوم و قاطعیت بیشتر و پی‌گیری بیشتر مقامات‌مسئول را درتعقیب مسببین انتظار داریم.

جنبش مسلمانان مبارز

۴/ شهریور /۵۸

جهاد سازندگی و دولت

در تأئید مطالب آقای خسرو شاهی در امت شماره۱۶ در مورد جهاد سازندگی و عدم حمایت و کمک همه جانبه و حتی یک جانبه از ناحیه دولت انقلاب!؟ مطالبی است که در رابطه با این مهم انسان را رنج میدهد.

از روزی که فرمان رهبری انقلاب در امر جهاد سازندگی صادر شد خوشحالی زایدالوصفی یک‌یک نیروهای جوان دانشجو و دانش‌آموز و نیز دیگر نیروهای طرفدار مستضعفین را فرا گرفت زیرا که میرفت تا روزنهٔ امیدی گشوده شود و سیل نیروها جهت سازندگی بسوی دهات و روستاهای فقر زده از ستم شاهان ضدخلقی سرازیر شود. نیروهای علاقمندی که غالباً از دانشجویان بودند بسیج شدند به‌نقاط دور افتاده مملکت رفته از کمبودها، وضعیت جغرافیائی محل و ..... گزارشات مفصلی تهیه کردند (لازم به‌توضیح است که قبل از فرمان امام هم گروههای دانشجوئی علاقمند گزارشات فراوانی از وضع روستاها تهیه کرده بودند) و بامید اینکه با کمک همه جانبه دولت انقلابی جهت این مهمترین مسئله مملکتی بتوانند روستاها و روستائیان این این مظاهر ستم قرون و اعصار را رنگ و روئی نو بخشند. ولی از همان شروع کار و روزهای نخستین معلوم شد که دولت به‌چیزی که فکر نمی‌کند به‌این مسئله مهم و حیاتی است (جهاد سازندگی) گروههای معدود که غالباً دانشجو بودند با حداقل امکانات و فقط با همت والای خود روانه روستاها طاغوت زده شدند در حالیکه در اکثر ۱ اوقات حتی یک وسیله نقلیه دولتی هم جهت حمل‌و نقل در اختیار آنها گذارده نشد و ادارات دولتی بجای اینکه خود پیشتاز این جهاد باشند غالب اوقات سنگ‌انداز این حرکت مردمی می‌شدند و چون امکانات نبود، بودجه نبود و عدم همکاری ادارات دولت باعث شد. تعدادی از گروهها زود برگشته و نفرات و گروههای جدید از رفتن منصرف شدند. و این باعث شد که یک نیروی عظیم دو تا سه ملیون نفری شامل دانش‌آموزان سالهای بالا. دانشجویان و کارگران بیکار شده عاطل و باطل در خیابانهای شهرهای بزرگ پرسه بزند و آنگاه پس از گذشت مدتی از شروع امر جهاد نخست وزیر باصطلاح انقلابی بر پرده تلویزیون ظاهر شده و از کارمندان خواهش می‌کند که اگر امکان دارد در این امر قدم رنجه فرمایند. آقای نخست‌وزیر شما کجای کارید؟ شما فکری کنید یا خواهش و تمنا و بسادگی می‌توانید این خیل عظیم جیره‌خواران را که در اطاقهای حلزونی کاخهای بجامانده از دوران طاغوت لمیده‌اند جرکت دهید؟ این کاخهای وزارت کشاورزی و..... با ده‌ها هزار مهندس و کارمند و کارشناس در قلب تهران چه می‌کنند؟ یک دولت انقلابی می‌تواند آنها را حرکت دهد و بصورت یک نیروی سازنده وارد میدان کند نه دولتی که ترمز انقلاب است. دولت شما مجبور است به‌این خیلی عظیم بیکاران حقوق‌بگیر دولتی باج بدهد (طبق اظهارات صریح رئیس سازمان برنامه و بودجه از هر ۶ نفر حقوق‌بگیر دولتی ۵ نفر اضافی‌اند) آری جناب در حالیکه از تلویزیون دولتی فیلم تکان دهنده مخروبه‌ای همانند عصرحجر بنام گنداب (محلی در جنوب خراسان) پخش میشود که انسانهائی را در خود جای داده است و کم نیستند گندابها در این مملکت، کافیست سفری به‌تمامی جنوب و مرکز خراسان ـ حاشیه کویر ـ سیستان و بلوچستان ـ جنوب و شرق و غرب فارس و..... بکنید تا به‌بینید که گندابها کم نیستند. آری در همان حال دولت باید حقوق کارمندان را بالا برده و بعد برای کار کردن (جمع شدن در توی اطاقهای تودرتو در زیر کویر و نوشیدن چای و قهوه و کپ‌زدن و شایعه پراکنی علیه ملت و دولت کار اکثر آقایان و مخصوصاً خانمهای باصطلاح روشنفکر بازمانده از زمان طاغوت است) به‌آنها التماس بکنید و باز در همان حال و وضعیت اسفبار اکثریت قریب باتفاق مردم ستمدیده و قفیر آقای نزیه باید یکروز درآمد نفت ملت را بدست‌اندرکاران نفتی بدهد چونکه او هم فراتر از شما فکر نمیکند.

راستی جناب نزیه آیا کارگران و کارکنان مبارز صنعت نفت برای پول به‌جنگ طاغوت رفتند؟ آنها که هم در آنزمان و هم‌اکنون از نظر مالی از سایر حقوق‌بگیران دولت در وضع بهتری بسر می‌برند پس این پول‌ها دروهلهٔ اول حق مسلم هزار روستای بسان گنداب در این مملکت است دولت انقلابی صدها ملیون تومان پول این ملت جنگ‌زده را در اختیار زالوهای سرمایه‌دار (یادگار دوران طاغوت) قرار میدهد تا بازهم بیشتر خون ملت را بمکند و از آنطرف طرح جهاد سازندگی را به‌علت عدم پشتیبانی مالی و همکاری اداری در خاک مدفون می‌سازد. امید دولت البته آنطورکه میگوید (من که اعتقاد ندارم) اینست که بادادن صدها ملیون تومان پول ملت فقیر به‌چند ده نفر سرمایه‌دار بیکاری را از بین ببرد: در صورتیکه بیکاری در جای خودش هست (عده‌ای از بیکاران برای کشت و زرع به‌روستاهای خود رفته‌اند) و گرانی و تورم هم بیداد می‌کند (گزارش بانک مرکزی مورخ ۵۸/۵/۲۲ و دیگر شورش تبریز علیه گرانی در چند روز گذشته) بله سرمایه‌داران با خون تغذیه شده از دولت انقلابی صدها ملیون تومان پول ملت را به‌چند ده نفر سرمایه‌دار معلوم‌الحال میدهد، ولی بودجه‌ای برای سازندگی چندین ملیون روستائی محروم از همه چیز قرار نمیدهد تا هم خیلی عظیم بیکاران بکار مشغول شوند و هم محرومین روستاها به‌قسمتی از حقوق ازدست‌رفته خود برسند.

و برنامه جهاد سازندگی کارش بهمین‌جا کشید که می‌شنوید و هنوز تابستان تمام نشده برنامه جهاد سازندگی عملاً میرود به‌فراموشی سپرده شود و دولت انقلاب را که گوئی خاکستر مرده بر رویش پاشیده‌اند همچنان گرفتار افکار و کاغذ بازیهای طاغوتی است.

حمید

۵۸/۵/۲۴

دانشجوی دانشکده بیمه تهران

و بالاخره پس از اینکه دولت طرح مهم پیشنهادی امام در مورد جهاد سازندگی را عملاً بخاطر عدم توجه با شکست مواجه کرد و مردم را دلسرد نمود در روز پنجشنبه شب مورخ۵۸/۵/۲۵ اعلام می‌کند که بودجه‌ای آنهم غیر مستقیم از محلی دیگر برای این مهم قرار داده است.

نیروهای صهیونیست و راستگرایان جنوب لبنان را زیر آتش گرفتند

بیروت ۱۹۷۹/۸/۲۲ وفا

صهیونیستها و نیروهای متحد آنها شبه‌نظامیان راستگرا دیروز با توپخانه و موشک شهرها و روستاهای لبنانی و اردوگاههای فلسطینی را زیر آتش گرفتند. سخنگوی نظامی نیروهای مشترک در این زمینه گزارش میدهد:

نیروهای متحد صهیونیست و راستگرایان دیروز شهرها و روستاهای جنوب لبنان را گلوله‌باران کردند. ساعت ۸/۵ صبح دیروز شهر حاجبیه و اهالی آن را زیر آتش گرفتند: و ساعت ۹/۵۴ دقیقه نیروهای فاشیست صهیونیستی بخش میانی جنوب را با توپخانه سنگین و موشک زیر آتش گرفتند. نیروهای مشترک باین تیراندازیها پاسخ گفته و تلفات جانی و مالی زیادی بدشمن وارد ساختند. هلیکوپترهای اسرائیل زخمیان را از منطقه خارج کردند.

لطفاً وجوه نشریه امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمایید

هفته نامه امت شماره ۲۰
چهارشنبه ۷ شهریور
۱۳۵۸ سال اوّل
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۴۸۳۱ ـ ۸۲۴۹۸۴
چاپ شرکت الست «سهامی عام»

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما